

گردید و متابعین آنها در حق بسیاری از آنان سوءظن حاصل نمودند. در یازدهم دسامبر [۱۹ آذر؛ ۱۶ ذی قعدة] ایالت به ملتیان اطلاع داد که اگر مردم متفرق بشوند او حاضر است سرسنگ را معاف بدارد و بیگلربیگی^{۱۴} حالیه را منفصل بنماید و عفو عمومی هم اعطا بنماید. بالاخره این شرایط قبول شده و مردم متفرق شدند. اگر چه علمای عمده ملتیان و نماینده هر صنفی در حرم باقی ماندند. به حاجی عبدالرحیم این نسبت را می دهند که سبب خاتمه ننگین این هیجان شده.

استراباد

مشروحه مورخه یازدهم دسامبر اگنت ما حاوی این راپورت است که تقریباً دو هزار نفر در يك مسجدی جمع شده و تقاضای اعاده مشروطه را دارند. صد و پنجاه نفر سوار ترکمان هم با آنها مع^{۱۵} بوده. پس از آن رؤسای آنها حکومت را ملاقات نمودند و او اظهار نمود که خودش شخصاً مشروطه خواه است. بعد از آن مردم متفرق شدند، ولی بازارها بسته ماند.

اصفهان

سردار ظفر «سالار ارفع سابق» که اسباب اعزام دستجات بختیاری به تبریز بوده و به این وسیله جلب توجه و مرحمت شاه را کرده بود از این توجه استفاده نموده و اسباب انفصال برادر خودش صمصام السلطنه از مقام ایلخانی گری بختیاری شد. حالا ایل منقسم به دو دسته شده و می توان اغتشاش آتیه را پیش بینی نمود. شاه صمصام السلطنه را به طهران احضار نمود ولی او به عذر علت مزاج و وقوع اغتشاش در ایل در صورت عزیمت خودش امتناع نمود.

محقق نیست که آیا هنوز او به مقام ایلخانی گری خود باقی است یا خیر. در ۲۹ دسامبر [۸ دی؛ ۵ ذی حجه] يك جنبشی بر علیه نایب الحکومه واقع شد و تقریباً دوست نفر سعی نمودند که در جنرال قنصلگری متحصن بشوند ولی آنها را از نیل به این مقصود باز داشتند.

یزد

راپورتهای واصله از ویس قنصل موقتی انگلیس حاوی تفصیل تقریباً چهارده فقره سرقتهای مختلف است که در طرق متصله به یزد واقع شده. هیچ يك از طرق امن نیست و راه کرمان و نائین از همه ناامن تر است. پستها فقط از طرق منحرفه و بیراهه می توانند عبور بنمایند. سرقتهای طرف جنوب به لشنیها و سایر ایلات فارس نسبت داده می شود و حکومت یزد اظهار می دارد که تا يك فرمانفرمای مقتدری برای فارس تعیین نشود این طوایف در یغما و سرقت نمودن مداومت خواهند داشت. صحت

۱۴) بیگلربیگی = حاکم نظامی در دوران قاجاریه - (واژه ترکی = بزرگ بزرگان) - م.

۱۵) مع: همراه - م.

این هر چه باشد حکومت مسئول محافظت طرق در نواحی یزد است. بدبختانه او آلت دست مشیرالممالک و صدرالعلماء است و تأدیة حقوق مستحفظین راه را به عهده آنها محول نموده. این دو نفر سعی داشته‌اند که مستحفظین طرق را به نصف مبلغ مصوبه دولت اشتغال بنمایند. در این باب آنها موفق نشده و ضمناً بسیاری از مستحفظین طرق که در عرض هفت هشت ماه گذشته هیچ حقوق نگرفته‌اند ترك خدمت نموده‌اند. حکمران به مستر بلکمن اظهار داشته بود که يك محمدتقی‌خان نامی را برای محافظت راه اصفهان تعیین نموده و به مستر لمن اجزای اداره تلگراف اطلاع داده شد که برای سوار مستحفظ به مشارالیه رجوع نمایند. همینکه او به مشارالیه رجوع نموده بود محمدتقی‌خان فقط خندیده و از دادن مستحفظ به او امتناع نموده بود. تجارت از بد به بدتر رسیده و عنقریب بکلی قطع خواهد شد. شهر یزد و اطراف آن بهمچنین دچار تهاجم دستجات سارقین است که به منازل پارسیهای متمول می‌روند و آنها را صدمه زده و پول و اثاث‌البیت آنها را بسرقت می‌برند. بتازگی يك جوان پارسی را به مریضخانه انجمن مسیحیان آورده بودند که يك دست او از ساعد جدا شده بود. او از هدایت نمودن يك دسته سارق به منزل شخص پارسی متمولی امتناع نموده بود. سارقین اغلب خود را به صورت مبدل می‌آرایند ولی وقتی هم که پارسیها دشمن خود را بشناسند از ترس دچار شدن به انتقام جرئت تظلم نمودن را ندارند. در یکی از وقایع، همینکه به حکومت تظلم نمودند او بکلی مسئولیت را از عهده خود ساقط نموده بود. یکی از اجزاء ارمنی تلگرافخانه هندواروپا، هنگامی که به سر خدمت خود می‌رفته در کوچه با شخصی مصادف شده که قصد کندن پالتو او را نموده بود. مشارالیه ششلول بیرون آورده حمله‌کننده بمحض دیدن آن فرار نموده بود.

در یزد هیچ سرباز برای قراولی ظاهر نیست. قراول حالیه بانك شاهنشاهی ایران عبارت از دو نفر است که اسماً توپچی هستند و هیچ اسلحه بجز يك شمشیر مندرسی [مدرس] ندارند.

کرمان

تلگرافی که قنصل انگلیس در ۲۴ دسامبر مخابره نموده بود مبنی براین بود که بواسطه فقدان پول و ناامنی طرق در عرض چهار هفته به هیچوجه پست به کرمان وارد و از آنجا خارج نشده.

کرمانشاه

صمصام‌الممالک، حکمران قصرشیرین، چون مجادله با ایلات کلهر و گوران را از عهده خود خارج دید پس از معزول شدن از حکومت بتوسط آنها به داودخان رئیس ایل کلهر ملتجی شد. داودخان خود را بکلی از تحت حکومت محلی خارج دانسته و از هیچ‌کس بیم ندارد مگر والی پشت‌کوه. نتیجه آن این است که طرق در ید طایفه داودخان است و دو پست بسرقت برده شده. عقیده قنصل انگلیس براین است که اگر

داودخان تنبیه نشود آن ولایات متدرجاً برای اروپاییان هم ناامن خواهد شد و به تجارت انگلیس که مقدار معتنا بهی است سکتته وارد خواهد آمد. يك حکومت مقتدری لازم است.

حکمران حالیه رئیس یکی از ایلات محلی است و از آن می ترسد که اگر به ضد ایلات دیگر اقدام بنماید وقتی که حکومت از او منتزع شد دچار مصادمه آنها بشود. يك دکتر روسی که بتازگی به همدان می رفت با حمله ایلیاتیان مصادف شده و مجبور به پرداخت يك مبلغی وجه نقد شده بود ولی پس از ورود به همدان آن مبلغ به او مسترد گردید.

شیراز

ایالت فارس به وضع منقلب باقی است و سرقت قوافل دیگر هم راپورت داده شده. در اواخر نوامبر، هیجانی به ضد ایالت و عطاءالدوله بیگلربیگی واقع شد که در يك موقع بیم وخامت آن می رفت. تمام تجار معظم اتفاق نمودند که تلگرافی به طهران مخابره نموده و از پیشرفت نداشتن شغل آنها بواسطه احاطه داشتن اغتشاش در تمام ایالت شکایت بنمایند. تهییجی هم برای بستن بازارها ظاهر گردید ولی صورت وقوع حاصل ننمود.

يك اشتهارنامه مهیجی در تمام شهر منتشر شد که شیرازیها را برای مخالفت با ترتیب حاضره دعوت و تحریک کرده بود.

در ۲۱ نوامبر سالارالسلطان بطرف لار عزیمت نمود. سید لاری ب ضد این عزیمت به لار به او اخطار نموده. عقیده مستر بیل براین است که مخالفت انگیزی سید مزبور متضمن عناصر مخاطره حقیقی برای جزئی انتظام باقی مانده است. ظاهراً به تحقیق پیوسته که دهاتیان آن بلوک يك استعدادی از اعراب را که عازم ملحق شدن به سالارالسلطان بوده اند مغلوب و تقریباً هشتاد نفر از آنها را مقتول نموده اند.

يك تاجر پارسی که معمولاً اطلاعات صحیحه دارد به مستر بیل گفته بود که او تصور می کند اگر صولتالدوله از مقام ایلخانی گری قشقائی منفصل بشود از آمدن به شیراز امتناع خواهد نمود و حکمرانی آن ایل بلکه حکومت شیراز را هم غیرمقدور می نماید.

بسیاری از اسلحه و آلات ناریه که در سنه ماضیه در بلوای شیراز صرف شده بود صولتالدوله تهیه نموده بود.

او حاضر است با حکومت موافقت داشته باشد ولی تا اندازه ای که تحریکات برادر او، او را به حال خود بگذارد و واقعاً يك قسمت معتنا به مالیات قلیلی را که برای قشقائی تعیین شده و مبلغ آن ۱۶،۰۰۰ لیره است او پرداخته است.

مقدور بودن این امر برای او بواسطه منافع فوق العاده ای بود که از سرقتهای دستجات سیار قشقائی در تابستان ماضی که خارج از حدود فارس نموده بودند به دست او آمده. یحتمل صولتالدوله بواسطه معیت علنی با سید لاری خود را بی اعتبار

ننماید ولی اگر از مقام ایلخانی‌گری منفصل بشود تقویت پرقیمتی با او خواهد نمود اگر چه بطریق مخفی هم باشد. سردار فیروز از شیراز حرکت نموده. از قراری که راپورت می‌دهند مراجعت نخواهد نمود.

خلیج فارس

بوشهر

دو فقره سرقت عمده در اواخر نوامبر در راه شیراز راپورت داده شده و مسافرین داخله از تعدی بسیار و بدسلوکی مستحفظین راه شکایت داشتند.

نمره - ۵۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۸ ژانویه ۱۹۰۹) از طهران ۳۰ دسامبر ۱۹۰۸ [۹ بهمن ۱۲۸۷؛ ۶ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

آقا

با کمال افتخار سه فقره راپورت راجع به اوضاع عمومی آذربایجان را در عرض این ماه که از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز رسیده لفاً ارسال می‌دارم. از راپورت مذکور ملاحظه خواهد شد که شهر تبریز و حول و حوش آن دیگر میدان مخاصمات بین دسته شاه‌پرستان و ملتیان نیست و حقیقتاً واضح است که ملتیان از زمان شکست اخیری که در داخل شهر به اردوی عین‌الدوله داده‌اند بالنسبه در حفظ نظم موفق شده و در انقلابات اخیر در محافظت اتباع خارجه مقیم تبریز مساعدت فوق‌العاده نموده‌اند. از زمان راپورت اخیر مستر راتیسلا جنگ در خط مراغه امتداد داشته و در مجادلات مختلفه که واقع شده ملتیان عقب نشانده شده‌اند چنانچه در حمله‌ای که در ششم دسامبر در باسمنج به اردوی عین‌الدوله برده بودند نیز عقب نشسته‌اند.

در قسمت اواخر این ماه عین‌الدوله فعالیت بسیار مشهود داشته و علاوه بر اهتمام در قطع آذوقه از تبریز، متعرض ایاب و ذهاب پست بین آنجا و طهران هم شده. من در این مسئله به دولت ایران پرتست نمودم.

مستر راتیسلا جنرال قنسول به سر جارج بارکلی امضاء

ملفوفه در نمره ۵۸

مراسله مستر راتیسلا جنرال قنسول به سر جارج بارکلی

از تبریز، ۱۸ نوامبر ۱۹۰۸ [۲۶ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۳ شوال ۱۳۲۶]

با کمال افتخار شرح اوضاع تبریز را بنوعی که در زمان معاودت به خدمت خودم ملاحظه نموده‌ام ذیلاً تقدیم می‌دارم.

از زمان خروج قشون شاه، شهر بکلی در دست ستارخان و باقرخان و دسته نظامی بوده یک انجمن ناقصی هنوز موجود است ولی خیلی کم بلکه هیچ مداخله در امورات ندارند ولیکن جلسات دائماً تشکیل می‌یابد و هرکس میل داشته باشد در آن مجمعه حاضر می‌شود.

اجلال‌الملک در هفته گذشته به من اطلاع داد که بواسطه اعمال خودسرانه باقرخان اداره امور را از عهده خود ساقط دیده و از حکومت استعفا داده است ولی از قرار معلوم او هنوز وظایف ریاست ظاهری را در دست دارد و ستارخان وساطت نموده که بین او و باقرخان را التیامی بدهد. افواها در باب برودت و رقابت بین ستار و باقر اشاعه یافته بود ولی من گمان نمی‌کنم که آن اختلال عجالتاً چندان اهمیتی داشته باشد. در داخله شهر نظم به کمال خوبی مستقر است و حقیقتاً محل مسکونی مسیحیان و عنصر خارجه بحدی مصون و مأمون است که تا حال هرگز اینطور نبوده و من هیچ تغییری در وضع آن محله مشاهده نمی‌نمایم. عموم خارجیان از وضع و رفتار ملتیان نسبت به آنها در عرض مدت انقلاب اظهارات تشکرآمیز می‌نمایند و به استثنای روسینها هیچ کدام اظهار خوفی برای امنیت شخصی خود نمی‌نمایند.

فقط مورد استثنائی که می‌توان به رفتار ملیون اعتراض سخت وارد آورد همان عمل تحمیل اعانه اجباری است که آنها به طبقات متمول مردم وارد نموده و در اکراه و امتناع از تأدیه به قتل تهدید شده‌اند. و در بعضی موارد به سیاست بدنی هم آنها را مجبور نموده‌اند. مختصراً بهر نحوی هست پولی که برای پرداخت حقوق قشون که در صورت اهلی بودن از روزی دو الی ۶ قران نفری و اگر داوطلب قفقازی باشد الی روزی یک تومان لازم است باید تحصیل بشود. در مقابل اخذ این طور اعانه‌ها قبض رسید سپرده می‌شود ولی احتمال آن نمی‌رود که هیچوقت صورت حساب آن ابراز بشود و کمتر محتمل است که سرده‌ها از نگاهداشتن یک ده یکی در جیب شخصی خود احتراز بنمایند.

موقع آرامی و متارکه جنگ غنیمت شمرده شد و تهیه آذوقه در شهر شد و انبارها از گندم وارد در ازک برای احتیاجات اولیه ذخیره شد. برای آن تهیه جنس سهمی امساله دولت از دهات حوالی را بتصرف درآوردند و بهمچنین مقداری از جنس صاحبان املاک را در این مسئله هم باز برای آنچه دریافت نموده‌اند قبض رسید سپرده شده.

این تحمیلات بالطبع باعث رنجش اشخاصی می‌شود که خسارت می‌کشند و آنها در خفیه از این ترتیب اوضاع حاضر خلی اظهار کراهت می‌نمایند.

واضح است که این ترتیب را نمی‌توان تا موقع غیرمحدودی معمول داشت چونکه تبریز با سرمایه خودش گذران می‌نماید و همینکه آن تمام شد مشکل است فهمید که

به چه وسیله قشون محلی را نگاهداری خواهند کرد. در دهاتی که سواران قره باغی و ماکویی آنها را منهدم نموده‌اند ابتلا و سختی بسیار احاطه دارد. اکثر احشام آنها را این راهزنان برده‌اند و باین واسطه مزارع بسیار بی‌شخم و نامزروع مانده که در سال آینده آتیۀ تاریکی را نشان می‌دهد. باب تجارت از طریق جلفا مفتوح شده ولی هنوز تجار از سپردن محمولات خودشان به آن جاده خوف دارند. این خوف در تجارت به اروپا از طریق خوی بیشتر مشهود است.

بی‌شبهه بی‌میلی در اشتغال به امورات تجارتنی نه بواسطه خوف از ملتیان است بلکه بواسطه خوف از هواخواهان شاه.

عین‌الدوله هنوز علامتی برای حرکت از محل خودش در باسمنج بطرف شهر ظاهر نداشته در صورتیکه استعداد اضافه هم به او ملحق گردیده. گمان نمی‌رود که بدون تقویتی او بتواند چندان پیشرفتی به ضد ملتیان بنماید.

امضاء راتیسلا

ملفوفه دویم در نمره ۵۸

مکتوب مستر راتیسلا جنرال قنصل به سرجارج بارکلی

از تبریز، ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸

[یکم آذر ۱۲۸۷؛ ۲۸ شوال ۱۳۲۶]

آقا

با کمال افتخار ترجمه مراسله‌ای که از طرف انجمن تبریز به من و همکار روسی من نوشته شده لفاً ارسال می‌دارم. در مکتوب مزبور توجه ما را به سوء اعمال شاه پرستان و حسن سلوک خودشان نسبت به خارجه‌ها جلب نموده و اظهار امیدواری نموده بودند که حقایق مسئله را اعلان بداریم. البته من جوابی در مقابل آن مراسله نداده‌ام.

ملتیان در عرض هفته ماضی بواسطه تصرف مراغه و مرند به دو موفقیت عمده نائل گردیدند.

چندروزی مجاهدین در مراغه جمع می‌شدند و بالاخره بواسطه نزدیک شدن پسر سلیم‌خان بهادرالسلطنه، رئیس ایل چهار دوالی، که از طرف شاه به حکومت آنجا منصوب شده بود و به خیال تصرف شهر از جانب پدرش می‌آمد این عمل آنها شدت حاصل نموده.

بمحض استماع خبر تصرف ملتیان او از طریق صائین قلعه به مکان خود رجعت نمود.

یک ماه قبل، از طرف شاه به بهادرالسلطنه امر شده بود که با تمام استعداد خودش به عین‌الدوله ملحق بشود ولی او از اطاعت این امر امتناع نموده و متمرد شده بود که خاک خودش به تهاجم و حملات غارتگران شاهسون گرفتار است.

ملتیان در مراغه مقدار کثیری اسلحه و آلات تاریه ضبط نموده ولی من شك دارم که آنها بتوانند قوه زیادی از اهالی آنجا که از روی میل یا بی میلی به آنها ملحق شده اند اکتساب بنمایند چون اهالی مزبور مدت های مدید در تحت نفوذ فامیل مظفرالدوله و حکومت نسبتاً با صلح و مسالمتی مرفه بوده اند. مظفرالدوله در طهران در تحت قدرت شاه است و اهالی مراغه امتناع سابقه خود را از موافقت با مشروطه مبنی بر این نمودند که تعقیب همچو روشی باعث تولید زحمت ولی نعمت آنها یعنی مظفرالدوله خواهد شد. شجاع نظام، پسر و وارث لقب شجاع نظام مقتول، پس از جزئی مقاومتی، در بیست و یکم شهر حال از مرند به ماکو فرار نمود. هزیمت او تمام راه روسیه را در ید ملتیان خواهد گذاشت و من گمان می کنم آنها کاملاً منافع خود را در افتتاح آن راه برای تجارت خواهند دید. بواسطه بی ترتیبی پست، بغیر از راپورت تجدید استقرار انجمن محلی، من اطلاع دیگری از واقعات سلماس ندارم. بهمچنین اطلاع کاملی هم در باب قتل اقبال السلطنه، سرکرده ماکویی ندارم. حتی ظاهراً محل شك ضعیفی است که مسرت اهالی تبریز برای این واقعه قدری زود است چون هنوز صحت آن محقق نیست.

هیئتی از تبریز به ارومیه رفته اند که اهالی آنجا را برای دعوی مشروطه به هیجان بیاورند. اوضاع در خود تبریز بهمان قسم باقی است.

امضاء راتیسلا

ضمیمه ۳ در نمره ۵۸

مراسله انجمن تبریز به مستر راتیسلا جنرال قنسول ۲۰ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۸ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۵ شوال ۱۳۲۶]

مطابق قانون طبیعی تمام نوع بشر با هم مربوطند و باید با یکدیگر محبت داشته باشند. این نکته امروزه باعث جلب توجه تمام دیپلماتهای عالم گردیده و سعی دارند که قوانین تمدن و آزادی ملل خود را بموقع اجراء بگذارند برای اینکه حقوق نوع بشر را محفوظ بدارند.

بدبختانه در این عصر تمدن دولت ایران دچار تغافل شده و عداوت تنفرآمیز بین اهالی نجیب آذربایجان تولید شده که متضمن نتیجه وخیمی است. با وجود تمام خساراتی که به منافع و حقوق نوع انسانیت وارد آمده محال است که قلوب شاه پرستان با تقاضاهای ملت موافقت نموده و بطریق مسالمت منحرف بشود. آنها هنوز درصدد تهیه تجدید مخاصمه هستند و جمع آوری قشون نموده و راه آذوقه را بر ملت مظلوم مسدود و سلب امنیت از طرق می نمایند. شما که نمایندگان دول خارجه هستید مشاهده نموده اید که چطور در عرض پنج ماه و نیم ماضی مأمورین دولتی و سوارهای وحشی به جان و مال و شغل و تجارت و شرف ملت ابقاء ننموده و منشاء هر قسم شرارتی شدند که بکلی برخلاف نظم و ترتیب عالم است.

با وجود تمام این مصائب اسباب نهایت مسرت است که از بدو انقلاب نیز تا حال

از طرف آزادی طلبان و مشروطه خواهان هیچ صدمه و مزاحمتی به برادران خارجه ما وارد نیامده چنانچه شما مایل به تقویت عالم تمدن باشید از انتشار این وقایع مهمه مضایقه نخواهید نمود تا اهالی آذربایجان هم حقوق شما را مرعی و محترم بدانند.

ملفوفه ۴ در نمرة ۵۸

مراسله مستر راتیسلا جنرال قنسول به سرجارج بارکلی تبریز، ۲ دسامبر ۱۹۰۸
[۱۰ آذر ۱۲۸۷؛ ۷ ذی قعدة ۱۳۲۶]

آقا

پس از راپورت اخیر من پیشرفت مقاصد ملیون در مراغه و بناب با سکتة مهمی تصادف نموده يك استعدادی که از تبریز فرستاده شده بود بدون اشکال هر دو محل مزبور را تصرف نمودند و این اتفاق فقط کمی قبل از ورود سواران چهاردوالی از طرف مغرب بود. بعلاوه اخذ وجه اعانه معمولی از دوست و دشمن متساویاً ملتیان در هر دو محل در اجحافات مبادرت کردند که خوشبختانه تاحال مرسوم آنها نبوده و در بناب سکنه به مخالفت آنها برانگیخته و باتلفات بسیار آنها را از شهر خارج نمودند. ظاهراً چهاردوالیها به آنها کمک نموده اند ولی جزئیات آنها هنوز نرسیده و این مسئله حتی الامکان کم منتشر شده. متعاقب آن فوراً تخلیه مراغه واقع شد ولی محتمل است که اهتمامی در تجدید تصرف آنجا بعمل آید.

دو نفر سرکرده قشون تجهیزه ای را بمحض مراجعت به تبریز محبوس نموده و از قرار مسموع یکی از آنها را چوب زده اند.

از سلماس هم راپورت جنگ بین ملتیان و ماکوئیها رسیده. از طرف مجاهدین آرامنه که در محل مزبور با استعداد هستند به ملتیان مدد بسیار رسیده.

تقریباً در دو هفته قبل بنا به اظهار محتشم السلطنه يك انجمنی در ارومیه انتخاب شده ولی انجمن بی جلوه ای است و احتمال نمی رود که چندان دوامی بنماید. منزلگاههای جاده که اکنون در دست روسها است یکی در جلفا و دیگری دریم است (مابین صوفیان و مرند) منزلگاه عمده پل آجی در خارج تبریز است. باوجودی که انجمن تقاضا نمود آنجا را مجدداً اشغال بنمایند و قراولی در سر پل برای حفظ کارگران گماشته بشود معیناً از زمان مجادله در آن محل آنجا خالی مانده است.

اشخاصی که تازگی باسمنج را دیده اند راپورت می دهند که وضع قشون عین الدوله خیلی بد بوده. بسیاری از آنها مریض و بواسطه سرما و فقدان ملزومات در صدمه هستند - امسال زمستان زود آمده تا حال برف سنگینی افتاده و هوا خیلی سرد است. ظاهراً بجز اینکه یکدفعه یورش به تبریز برده شود چاره نیست مگر اینکه تابهار به تأخیر افتاده شود.

امضاء راتیسلا

نمره - ۵۹

مکتوب سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ ژانویه)

سن پترزبورغ، ۱۱ ژانویه ۱۹۰۹

[۲۱ دی ۱۲۸۷؛ ۱۸ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

آقا

به لحاظ راپورت‌هایی که سر جارج بارکلی در باب وضع تبریز و اصفهان هر دو به من داده بود من دیروز به ملاقات مسیو ایسولسکی رفته و از مفاد آنچه به من رسیده بود ایشان را مستحضر نمودم. من خاطر نشان آنجناب نمودم همچو می‌نماید که آن مملکت با سرعت تمام به حالت تجزیه شدن نزدیک می‌شود و نهایت لزوم را دارد دولتین قراری بگذارند که چه اقداماتی برای جلوگیری از بسط و نشر این جنبش باید بشود. اعتقاد بر این است که شاه در صدد صدور دستخطی برای تأسیس مشروطه است ولی اگر آنجناب بتواند یادداشتی را که مشغول ترتیب آن بوده است به من بدهد متشکر خواهم شد برای اینکه دولت متبوعه من بتواند بدون دفع وقت پیشنهادی را که معزی‌الیه ترتیب داده در تحت مذاقه و امتحان بیاورد. آنجناب اظهار داشت که بمناسبت ایام تعطیل عید میلاد مسیح نتوانسته است بالاخره در اختتام یادداشت قیام بنماید ولی امیدوار است لااقل تا سیزدهم شهر حال آن را به من بدهد.

نظریات مسیو ایسولسکی این بود که وضع ایران واقعاً بسیار منقلب است. حکومت‌های نیمه‌مستقل یا در واقع مستقل هم در تبریز و هم در اصفهان تأسیس شده و قدرت شاه ظاهراً رو به تحلیل رفتن است. آنجناب ظن قوی داشت که اعلان مشروطه فقط علاج کافی برای وضع امور خیلی مهم حاضره نخواهد بود. آنجناب اظهار داشت لازم نمی‌داند اطمینان‌هایی را که مکرر در باب بهیچوجه مایل نبودن دولت روس به مداخله اظهار داشته است تکرار بنماید چون اقدام به این امر منافعی با منافع خودشان است ولی واقعیات و مقتضیات ممکن است از حد تحمل خارج بشود. او اظهار خرسندی می‌نمود و با وجودی که ستارخان حق حکومت مستقلی را به عهده گرفته است ولی راه جلفا به تبریز مفتوح است و قوافل بدون آسیب و زحمتی تردد می‌نمایند و تا حال هیچیک از اتباع روس مورد سوء سلوک و مقتول نشده‌اند.

ممالک شرقی رویه غریبی در استخلاص از گرفتاریهای درهم و برهم یاس‌آور دارند که غاصبین قدرت غفلتاً حامیان فدوی مرکز قدرت می‌شوند مع‌هذا اوضاع خیلی سخت و بحرانی است و او خشنود خواهد شد که نظریات دولت انگلیس را در این باب استماع بنماید. جناب معزی‌الیه از استماع تعیین سعدالدوله به وزارت امور خارجه و تمایل او به معاضدت با سفارتین مشعوف بود.

من به آنجناب اظهار داشتم اگرچه محتمل است وضع امور به درجه‌ای رسیده باشد که اعلان اعطای مشروطیت هم باعث تخفیف انقلاب نشود مع‌هذا در اصرار به صدور آن منع و مخالفتی نیست زیرا که ممکن است قدری فایده ببخشد. من با آنجناب موافقت نمودم که تنها وعده یا حتی اعطای مشروطه هم علاج کلیه را نخواهد نمود

مع ذلك آن يك اقدامی برای پیشرفت است.

امضاء نیکلسن

نمره - ۶۰

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۹ ژانویه ۱۹۰۹)
از طهران، ۱۹ ژانویه ۱۹۰۹
[۲۹ دی ۱۲۸۷؛ ۲۶ ذی حجه ۱۳۲۶]

اصفهان

جنرال قنصل انگلیس امروز راپورت می دهد که بختیاریها پیشکار مالیه را که از طرف دولت ایران برای اخذ مالیات گماشته شده بود دستگیر نموده سعی دارند که به این وسیله بیست هزار تومان استقراض حاصل بنمایند. آنها در صدد جمع کردن آذوقه در شهر و سنگربندی هستند. از قراری که راپورت داده شده تقریباً صد و پنجاه نفر بختیاری در ۱۷ شهر حال به عزم مورچه خورد از شهر حرکت نموده اند و حالا عده ای که در اصفهان هستند تقریباً هزار و پانصد نفرند. مستر گرهام نیز اظهار می دارد که اطلاعات مکتسبه او مبنی بر تصدیق این عقیده است که بختیاریهاییکه از طهران می آیند با بختیاریهای در اصفهان جنگ نخواهند نمود.

نمره - ۶۱

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۹ ژانویه)
از طهران، ۱۹ ژانویه ۱۹۰۹
[۲۹ دی ۱۲۸۷؛ ۲۶ ذی حجه ۱۳۲۶]

امروز صبح یکی از اجزاء عمده پارلمان سابق را که از جانب بعضی از ملتیان طهران آمده بود من را ببیند پذیرفتم.
او اظهار داشت که آنها شنیده اند دولتین انگلیس و روس به خیال این هستند که اقدام در استقرار کنترل در ایران بنمایند و او توضیح نمود که هم مسلکان اوایلند که یا دولتین فقط تا این اندازه مداخله بنمایند که تجدید تأسیس مشروطه را حاصل بنمایند که اگر چه بواسطه آن البته دفعاً حکومت مستحسنی فراهم نخواهد شد ولی طی نصفه راه را برای حصول آن خواهد نمود یا اینکه انگلیس و روس شاه را به حال خود بگذارند که مسائل را با ملت خود قطع و فصل بنماید و از تمام مداخلات احتراز بنمایند. او اظهار داشت که ملتیان ملتفتند که وجود مستشارهای خارجه لازم است و مجلس آتی که با فهم تر از مجلس سابق عمل خواهد نمود مستشارها را جلب خواهد کرد ولی چیزی را که مخصوصاً ملتیان مایل به احتراز از آن هستند این است که مستخدمین خارجه را دولتین مأمور و منصوب نمایند. من در جواب اظهار نمودم که اعاده حکومت شوروی فقط نقطه نظر بوده و نماینده های دولتین برای آن اظهارات

نموده‌اند و چون تا حال نتیجه‌ای از آن حاصل نشده اظهارات دیگری و بطریقی که هیچ نمی‌توانم به شما بگویم اکنون در تحت نظر و مذاقه دولتی انگلیس و روس است.

نمره - ۶۲

مکتوب سرادوار گری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۲۰ ژانویه ۱۹۰۹
[۳۰ دی ۱۲۸۷؛ ۲۷ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

آقا

در سیزدهم شهر حال سفیرکبیر دولت روس به این اداره آمده و در باب اوضاع اصفهان با سرهاردینگ مذاکره نمود.

سرهاردینگ به کنت پنکدرف اظهار داشت که به موجب اطلاعاتی که به وزارت امور خارجه رسیده صمصام السلطنه و بختیاریه‌ای او در اصفهان خود را طرفدار ملتیان قلمداد کرده‌اند و عجالتاً فرمانفرما قصد رفتن به اصفهان را ندارد و بختیاریهایی که باتفاق نایب‌الحکومه رفته‌اند با صمصام معاند نیستند. سرهاردینگ نیز اظهار داشت که به عقیده وزیر امور خارجه صلاحیت در این است که منتظر پروازات آتیه بشویم.

مادامی که شاه حکومت خود را اصلاح ننموده و اساس آن را بر مبنائی نگذارده که باعث اعتماد باشد حاکم یا قشون فرستادن به اصفهان برای او بی‌ثمر است. در صورتی که اعلیحضرت معظم به نصایح ما گوش نمی‌دهد وزیر امور خارجه تصور می‌کند که مجاهدات ما در باب بکار بردن نفوذ خودمان به صمصام السلطنه مورث بی‌اعتنائی متساوی طرفین به نصایح ما خواهد شد.

امضا ادوارد گری

نمره - ۶۳

مکتوب سرنیکلسن به سرادوار گری (واصله در ۲۲ ژانویه)

از سن پترزبورغ، ۱۷ ژانویه ۱۹۰۹
[۲۷ دی ۱۲۸۷؛ ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

آقا

با کمال افتخار سواد یادداشتی را که دیشب از مسیو ایسولسکی به من رسیده لفا ارسال می‌دارم و مبنی بر اقداماتی است که دولتی روس و انگلیس به لحاظ وضع ناهنجار ایران ممکن است به موقع اجراء بگذارند. مسیو ایسولسکی خواهش نموده بود که چون می‌خواهد با من گفتگویی بنماید امروز بعد از ظهر من نزد او بروم. امروز عصر من خدمت جناب معزی‌الیه رفتم و او سؤال نمود که عقیده شما در باب

یادداشت چیست. من به او اظهار داشتم هیچ اشاره‌ای راجع به شرط انتخاب شدن اعضای مجلس مشاوره برای نوشتن قانون انتخابات در آن نشده است. مسیو ایسولسکی تشریح نمود که نخواسته است پیشنهادات خود را با این تفصیلات مبسوط بنماید یا ترکیب مجلس مشاوره را خیلی دقیقانه شرح بدهد. او اظهار داشت انتخابات طول خواهد کشید و در اینکه چطور و از چه طبقه مردم بایه انتخاب بشوند و از این قبیل مذاکرات [و] مباحثات طولانی خواهد شد لهذا او ذکر «اشخاص کافی» نموده است و اولی می‌داند که برای کار مجلس مشاوره تعجیل بشود.

در باب استقراض من اظهار داشتم به نظر من در این مسئله بهیچ وجه لزوم عجله‌ای نمی‌بینم و بهتر آن است معوق بماند تا مسیو بیزو راپورت خودش را که باید از او خواسته بشود بدهد چون محتمل است يك استقراضی بهیچوجه لازم نباشد. جناب معزی الیه با این عقیده موافقت نموده و اظهار داشت که اگر او اظهار رأی در خصوص استقراض نموده در صورتی است که استقراضی لازم بشود و طرح نقشه کنترلی که لازم خواهد بود ریخته است که در صورت استقراض اعمال شود. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اصرار نمود که طریقه کنترل را حتی‌الامکان سهل و ساده و خالی از رسمیت قرار داده اگر قرضی داده بشود يك نظارت و کنترلی برای طریقه و ترتیب مصرف آن حتماً ضروری خواهد بود.

پس از آن من اظهار نمودم که در خصوص يك استقراضی من یقین قطعی دارم که به هر صورت تا يك قانون انتخاباتی مترتب و منتشر نگردد و موقع انتخابات وتشکیل مجلس معین نشود دولت متبوعه من این پیشنهاد را نخواهد پذیرفت.

مسیو ایسولسکی جواب داد که اهمیت بیان من را کاملاً می‌شناسد ولی او با دقت تمام در یادداشت اینطور قید و شرط نموده است که «اگر شاه دلایل کافی مشهود دارد براینکه جازماً به نصایح دولتین عمل می‌نماید در آن صورت...» او عمداً در آن عبارت شرایط استقراض را مجمل گذارده است چون در آن وقت ما بکلی مختار خواهیم بود که تصمیم نماییم که اعمالی را که شاه انجام داده مکفی یا غیر مکفی بوده. ما ممکن است با کمال استحقاق بگوییم که تا يك مجلسی منعقد نشود یا شروع به انتخابات نشود یا شرایط دیگر بعمل نیاید ما اقناع نخواهیم شد ولی معظم‌الیه [= معظم‌له] را عقیده براین بود که این مسئله باید محول به نمایندگان در آن محل بشود که وقتی که شاه صحت قول و عقیده خود را بجدی مدلل داشت که به نظر آنها تأدیة قرض در تحت شرایط به دولت ایران صلاح و صحیح بود به دول متبوعه خود اطلاع بدهند. بهر صورت این نکته نباید فراموش بشود که يك مبلغ قلیلی باید بسرعت داده بشود مگر اینکه مایل باشیم که چرخ و اوضاع امور را متلاشی‌تر از حالیه ببینیم. دولت در زندگی خود دست به دهن است و این وضع زندگی به ملاحظه اهمیت موقع نمی‌شود تا يك مدت طولانی سلامت مداومت بنماید.

او اظهار داشت نهایت لزوم را دارد که صدراعظم و سایر عناصر مرتجع از هیئت مشاوره شاه مطرود بشوند و به يك دولت اصلاح شده‌ای با اطمینان و تأمین زیادتری

می‌توان قرض داد. مسیو ایسولسکی اظهار داشت امیدوار است این مسئله کاملاً مفهوم شده باشد که دولت روس بهیچوجه قصد بکار بردن مداخلات نظامی از هیچ قبیلی را ندارد. او خودش حس می‌نماید که اگر دولتین دستهای خود را از اقدام ببندند ایران بسرعت منقطع به قطعاتی خواهد شد که عبارت از جمهوریهای مستقله باشد یا یک نوع حکومتیهای دیگری که در تمام مملکت تأسیس بشود. این نوع بی‌ترتیبی و هرج و مرج باعث این خواهد شد که دولتین مجبور به مداخلات قهریه بشوند و از این اقدام در صورت امکان باید احتراز نمود.

امضا: نیکلسن

ملفوفه در نمره ۶۳

یادداشت مسیو ایسولسکی به سر نیکلسن ترتیب اوضاع ایران دور از بهبودی روز بروز مغشوش‌تر می‌شود و حال مملکت خیلی سخت و جالب اهمیت شده است. اوضاع در آذربایجان رو به بدتر شدن می‌رود: قدرت شاه فقط اسمی است. کوشش و کشمکش بین دستجات احزاب کماکان باقی است. واردات تجارتنی متدرجاً رو به تنزل است. دسته شورشیان بتازگی کمپانی تلگراف هند و اروپا را مجبور نموده‌اند که تمام وجوهات مدیونی خود را به انجمن محلی تبریز بپردازد. تازگی در اصفهان هم اغتشاش بروز نموده و الحال آن شهر در تصرف بختیاریه‌ها است. اهالی مشهد از پرداخت مالیات امتناع دارند. اوضاع گیلان و سایر ولایات کمتر از نقاط مذکوره تهدیدآمیز نیست. یک قسمت از مجتهدین نجف مشغول اشاعه دادن اشتهازنامه‌ها در تمام مملکت هستند برای اینکه مردم را علیه شاه برانگیزند و آنها را دعوت بنمایند که از حقوق و منافع شخصی خودشان دفاع بنمایند. از طرف دیگر خزانه شاه خالی است. قشون و بهمچنین ادارات بدون تأدیة حقوق مانده و مجبورند که بواسطه غارت و شکارکردن مردم بی‌آزار زندگانی بنمایند. اگر حوادث به این طریق مداومت بنماید هیچ‌کس نمی‌تواند پیشگویی بکند که سرانجام این بی‌نظمی مملکت قاجاریه به کجا منتهی خواهد شد. نظر به اینکه بعلت انقلابات ایران تازگی به منافع اقتصادی روس و انگلیس خسارت معتنا بیهی وارد آمده دولتین باید وضع حالیه مملکت را در تحت مذاقه جدی قرار داده و هم خود را براین مصروف بدارند که طرح نقشه عملیاتی بریزند به قصد اینکه از اشکالات و پیچیدگیهای دیگر که ممکن است آنها را مجبور به انحراف از مسلک سکوت خودشان نسبت به وقایع ایران بنماید جلوگیری بشود. برای موافقت کامل با اصل و قاعده کلی عدم مداخله در امور داخلی ایران، دولتین انگلیس و روس تا حال اقدامات خود را انحصاراً محدود به این حد کرده‌اند که به شاه صلاح‌اندیشی دوستانه بنمایند که حکومت شوروی را که بعد از وقایع ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ متروک شده مجدداً تأسیس بنمایند. دولتین به اطمینان اینکه اعاده حکومت استبدادی در ایران غیر ممکن است و منتها وسیله تسکین ملت ایفاء حوائج ملت است

لهدا این طریقه مشی را برای خود اتخاذ نموده‌اند. ضمناً دولتین روس و انگلیس بالصراحه ملتفت‌اند که تجدید تأسیس مشروطه ایران به وضعی که قبل از انفصال مجلس سابق جاری بود بهمان میزان نامطبوع است زیرا که در آنصورت مملکت به حالت هرج و مرج سخت‌تری دچار خواهد شد. مجلس اولی که متکی به انجمنهای آشوب‌طلب بود امتحان صحیحی از بی‌لیاقتی کامل خود در دلالت امور مملکت به طریق جدیدی داده یک عده معتنابهی از طبقات عالی مردم ایران با این عقیده شریکند و بهمین جهت از فرقه ترقیخواه منفک شده و به صفوف مرتجعین ملحق شدند. شبهاتی که در ذهن شاه جای گرفته کلیتاً مربوط به همین مسئله است.

نظر به این مراتب دولت امپراطوری تصور می‌کند که فشار به شاه برای حصول تجدید تأسیس مشروطه بتنهایی باعث بدست آمدن مقصودی که دولتین در نظر دارند نخواهد بود. اگر تسکین ایران، و بهمچنین استقرار نظم ثابتی در امور، مطلوب است نه فقط تشکیل یک حکومت شوروی معقولی باید بشود بلکه به حکومت شاه هم در ضمن برای اصلاحات لازمه باید تقویت بشود که اول و مقدم‌تر از همه اصلاح مالیه است و پس از آن اصلاحات اداره نظامی و قضائی.

برخلاف عقیده مقبوله عموم، ایران مملکت با ثروتی است و دارای منابع معتنابهی از ثروت است - این مسئله را جمعی تصدیق دارند من جمله مستر مارلینگ که سابقاً شارژ دافر دولت انگلیس در طهران بود - ولیکن منابع گرانبهای مملکت تزییع شده. یک قسمت از عایدات بواسطه فساد و خرابی اداره مملکت بهدر می‌رود. بقیه بدون داشتن هیچ نفع واقعی برای مملکت صرف می‌شود و این بواسطه اصول غیر کافی مالیه مملکت است - اگر در حقیقت بشود اصلاً ذکر از اصول مالیه نمود. فقط یک شعبه از منابع عایدات مملکت به مبنای مستحکمی تأسیس شده که آنهم گمرکات است. از زمانی که مسیو نوز و معاونین بلژیکی او تشکیل اداره گمرکات را در ایران نمودند عایدات آن مبلغ معتنابهی زیاد شده و اکنون در هر سالی تقریباً به مبلغ پنج میلیون منات ۱۶ رسیده. پس از وضع دو میلیون و پانصد هزار منات در مقابل استهلاك سالیانه سی و دو میلیون منات قرض دولت ایران به بانک استقراضی دولت روس و دو میلیون و نیم منات به بانک شاهنشاهی ایران دو میلیون و نیم منات در هر سالی عایدی خالص در دست دولت ایران باقی می‌ماند. یک محل عایدی دیگری که ممکن است متناسباً مبلغ معتنابه از آن حاصل بشود ولی بدبختانه بواسطه فقدان کامل ترتیب اداری بطوریکه اروپاییان آن را تعبیر می‌نمایند و به آن میزان نمی‌رسد، مالیات یا عشریه‌ای است که بموجب قوانین قرآن به اراضی مزروع تعلق می‌گیرد. قسمت عمده این عشریه که به عهده مالیات دهندگان وارد می‌شود به اضعاف یک مبلغ بالنسبه گزافی بایک سختی که به ظلم و جور می‌رسد تقریباً بالتمام در جیب مأمورین اداره می‌رود که به دست آن مأمورین باید این وجه به خزانه عاید گردد ولی در حقیقت یک قسمت بسیار قلیلی فقط داخل خزانه

می‌شود. بالاخره دولت ایران يك منبع عایدات ثالثی هم در دست دارند که اگر بقاعده مرتب بگردد آنها را قادر خواهد نمود که يك عده معتنابهی قشون مسلح نگهدارند. این منبع عایدات يك مالیات نظامی مخصوصی است که مردم برای نگهداری يك عده معینی سرباز که برحسب يك عادت قدیمی اهالی مجبورند برای شاه تمپیه نمایند به دولت می‌پردازند.

يك عده کثیری از این سربازان را در حقیقت هرگز در تحت سلاح نمی‌آورند. بقیه را موجب صحیحی نمی‌دهند یا بکلی بی‌موجب‌اند و مبلغی که باید به مصرف نگهداری قشون مسلح برسد در جیب شخصی مأمورین آن اداره داخل می‌شود. ملاحظه خواهد شد که منابع عایدات مملکت معتنابه است و برای اینکه در این وضع کنونی ترقی حاصل بشود همینقدر کافی خواهد بود که ترتیبی در مالیه و اداره آن داده بشود.

اگر شاه رأی قطعی خود را براین قرار بدهد که صمیمانه داخل طریق اصلاحات بشود احتمال کلی دارد يك مبلغ پول معینی لازم داشته باشد که به مصارف لازمه اصلاح و تجدید اساس ادارات مملکت برساند. عایدات واقعی دولت ایران کافی است که يك استقرار خارجی جدیدی را ولو اینکه مبلغ معتنابهی هم باشد تأمین و تأدیه نماید. تنها مبلغ دو میلیون و نیم منات که از عایدات گمرکات باقی می‌ماند برای استهلاك اصل و فرع سی و دو میلیون منات قرض کافی خواهد بود. ولیکن خیلی ممکن است که دولت ایران در مقامی باشد که احتیاج به يك استقرار ضعیف به این اندازه‌ها هم نداشته باشد شاید او بتواند قناعت به این اقدام بنماید که يك کنترل جدی برای عایدات کنونی خود قرار بدهد که واردات آن را زیاد بنماید و آنوقت فقط به يك مبلغ بالنسبه معتدلی احتیاج خواهد داشت که به مصرف مخارجی که در مقدمات اصلاحات لازم خواهد بود برساند. اگر دولت انگلیس با نقطه نظری که در فوق مصرح شده موافقت داشته باشد دولت امپراطوری نقشه عملیات مشترکی در نظر دارد که متضمن تأمین منافع اقتصادی روس و انگلیس در ایران است و ممکن است از قرار ذیل مترتب بگردد: نمی‌توان شك داشت که در این موقع دولت ایران فقط بوسیله اصلاحات می‌تواند خود را از این وضع بسیار مشکل مستخلص بنماید که اصلاح مالیه و بهمچنین حتی الامکان اجرای مقاصد ملت در تشکیل يك نوع حکومت شوروی باید در ضمن آن اصلاحات محسوب بشود.

با این مقصودی که در نظر است دولتین روس و انگلیس می‌توانند:

(۱) بدون اینکه بهیچوجه از اصل و قاعده کلی عدم مداخله در امور داخلی ایران تبری بجویند بنحو مشفقانه‌ای به شاه توصیه نمایند که آن اعلیحضرت باید اشخاص کافی فعالی را که تا حال بواسطه بروز صمیمیت خودشان در رهایی مملکت خود از وضع مشکلی که دچار شده امتحانات داده‌اند مصدر کار قرار بدهد مثلاً از قبیل سعدالدوله که بعضی طرحها برای تأسیسات انتخابی در ایران ترتیب داده و در حقیقت تازه به وزارت امور خارجه منصوب گردیده و ناصرالملک که در موقع رئیس‌الوزراء و وزیر مالیه بودن

برای تجدید اساس مالیه ایران و قواعد مالیات آن نقشه و ترتیبی طرح نموده و بهمچنین اول نقشه‌ای که برای بودجه مرتبی کشیده شده.

(۲) در ضمن اظهار اشتیاق به دیدن تأسیس يك حکومت شوروی در ایران که لزوم آن را خود آن اعلیحضرت تصدیق نموده ولی بدون اصرار در تجدید تشکیل آن نوع حکومتی که در سنه ۱۹۰۷ الی ۱۹۰۸ دائر بوده به اعلیحضرت معظم نصیحت بشود که بدون تأخیر باکمک اشخاصی که در ماده اول ذکر شده و اعضاء مجلس شورای مملکتی حاضره و سایر اشخاص لایق شروع به تهیه قانونی برای تشکیل هیئت منتخبه جدیدی بنمایند که مطابق عادات و رسوم تاریخی اهالی ایران و عقاید مذهبی آنها باشد و رفع احتیاجات مملکت را نموده و اسباب استقرار صلح و انتظام در ایران بگردد.

(۳) و اگر شاه برای رأی قطعی خود در پیروی نصایح روس و انگلیس امتحان کافی بدهد دولتین در فراهم نمودن يك استقراض خارجی، چه مبلغ آن زیاد باشد چه کم، اعلیحضرت معظم را تقویت بنمایند مشروط بر اینکه يك کمیته مخصوصی مرکب از رؤسای بانکهای روس و انگلیس در طهران و هیئتی از ایرانیان تشکیل داده بشود که این کمیته: (۱) در مخلفهای مصارف مملکت نظارت خواهد داشت و ملاحظه خواهد نمود که انحصاراً به مصرف احتیاجات مملکت برسد؛ (۲) در ترتیب دادن صورت برآورد احتیاجات اختصاصی سالیانه تمام شعبات اداره دولت نظارت خواهد نمود و بهمچنین در طریق بکار بردن این برآوردها موافق با بودجه‌ای که اداره مالیه با معیت هیئت کنترل مهیا خواهد نمود نظارت خواهد داشت. (۳) وزیر مالیه اعلیحضرت شاه را در تنقیح و ترتیب قانون مالیات تقویت خواهد نمود.

(۴) دولتین روس و انگلیس برای اینکه احساسات مودتانه خود را نسبت به ایران در يك موقع چنین مشکلی به دولت اعلیحضرت شاه ثابت بنمایند حاضر خواهند بود که از قرضی که بعدها قرار آن باید داده بشود مبلغ پنج میلیون فرانک به رسم مساعده برای دولت ایران موجود بنمایند. این مساعده بمصرف مخارج فوری که برای مقدمات اصلاحات لازم است خواهد رسید.

سن پترزبورغ، به تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۰۹

[۲۶ دی ۱۲۸۷؛ ۲۳ ذی حجه ۱۳۲۶]

نمره - ۶۴

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۲۵ ژانویه)

از طهران، ۲۵ ژانویه ۱۹۰۹

[۵ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲ محرم ۱۳۲۷]

مستشار مالیه فرانسوی در ملاقاتی که تازگی با وزیر امور خارجه نموده بود به جناب معزیه اطلاع داده بود که به عقیده او تعیین يك نفر خزانه دار کل اروپایی و يك نفر مفتش مالیه لازم است.

اکنون سعدالدوله از مسیو بیزو درخواست نموده است که در پاریس ترتیب تعیین دونفر فرانسوی برای مقامهای مزبور بدهد و برای استقرار آنها رضایت اعلیحضرت شاه را هم تحصیل نموده است.

مسیو بیزو در این باب به وزیر مالیه در پاریس نوشته است؛ وزیر مختار فرانسه هم به دولت متبوعه خود تلگراف نموده است.

نمره - ۶۵

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری (واصله در ۲۶ ژانویه)

از سن پترزبورغ، ۲۶ ژانویه ۱۹۰۹

[۶ بهمن ۱۲۸۷؛ ۳ محرم ۱۳۲۷]

تعیین خزانه دار کل و مفتش مالیه فرانسوی

امروز مسیو ایسولسکی به من اظهار داشت که هیچ مخالفتی در این تعیینات ملاحظه نمی نماید و این دونفر مأمور را بجز فقط معاونین مسیو بیزو بودن هیچ چیز دیگری فرض نمی کند.

www.adabestanekave.com

نمره - ۶۶

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۲۶ ژانویه)

از طهران، ۲۶ ژانویه ۱۹۰۹

[۶ بهمن ۱۲۸۷؛ ۳ محرم ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل، مورخه ۲۴ شهر حال [۴ بهمن؛ یکم محرم] از جنرال قنسول

انگلیس مقیم تبریز به من رسیده: -

«انجمن ایالتی مراسله ای به قنسولها نوشته مبنی بر اینکه از قرار مسموع دولت ایرن در باب یک استقراضی بادل همجوار مذاکره نموده و لازم می دانند یک نوبت دیگر اظهار بنمایند که چون به موجب قانون اساسی برای اینطور قرضها تصویب پارلمان لازم است، ملت هیچ نوع مسئولیتی برای این استقراض بعهده نمی گیرد.»

نمره - ۶۷

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۲۸ ژانویه)

از طهران، ۲۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۸ بهمن ۱۲۸۷؛ ۵ محرم ۱۳۲۷]

وزیر امور خارجه مراسله ای به من نوشته است که به موجب آن فرع قروضی که بانک شاهنشاهی ایران به دولت ایران داده است از ۲۱ مارس از قرار اقساط ماهی

سی هزار تومان از گمرکات بوشهر که برای این مقصد مرهون است باید پرداخته بشود.

www.adabestanekave.com

نمره - ۶۸

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۸ ژانویه)

از طهران، ۲۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۸ بهمن ۱۲۸۷؛ ۵ محرم ۱۳۲۷]

وضع ناامنی طرق رو به ازدیاد است. طرق مابین تبریز و همدان و کرمانشاه حالا بی نهایت مغشوش است و بهمچنین طرق جنوب، رئیس کل بانک شاهنشاهی اظهار می‌دارد که نظر به مخاطره‌ای که در ارسال پول متضمن است معامله و تجارت غیرممکن شده است.

نمره - ۶۹

تلگراف سرادوارد گری به سرنیکلسن

وزارت خارجه، ۲۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۸ بهمن ۱۲۸۷؛ ۵ محرم ۱۳۲۷]

مفتش مالیه و خزانه‌دار کل فرانسوی در ایران دولت انگلیس در نامزد شدن فرانسویان هیچ مخالفتی ندارد در صورتیکه این دونفر در تحت ریاست مستشار مالیه شناخته بشوند (به تلگراف ۲۶ شهر حال [۶ بهمن؛ ۳ محرم] خودتان مراجعه نمایید).

نمره - ۷۰

مکتوب سرادوارد گری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۳ فوریه ۱۹۰۹

[۱۴ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۱ محرم ۱۳۲۷]

آقا

مراسله مورخه ۱۷ شهر ماضی جنابعالی که در لف آن یادداشت دولت روس در باب اوضاع ایران را ارسال داشته بودید واصل گردید. من باید از جنابعالی خواستار بشوم که یادداشت جوف را که در جواب دولت روس نوشته شده برسانید.

امضا ادوارد گری

ملفوفه در نمره ۷۰

یادداشتی که باید بتوسط سرنیکلسن از لحاظ مسیو ایسولسکی بگذرد. یادداشت مفصلی را که دولت روس در تاریخ ۱۶ ژانویه [۲۶ دی؛ ۲۳ ذی‌حجه] در باب بروز اوضاع ناهنجار در ایران و اقداماتی که تعقیب آن ممکن است نافع واقع بشود به سفیر کبیر دولت انگلیس مقیم دربار سن پترزبورغ نگاشته بودند دولت انگلیس با استفاده کامله ودقت وافیه ملاحظه نمود.

بعد از ملاحظه کامل در تمام وقایع، دولت انگلیس تصور می‌کند که بهترین رویه‌ای که دولتین انگلیس و روس اتخاذ بنمایند این است که بکلی از مداخله در امور داخلی ایران احتراز نموده و بگذارند انقلابات حاضره اینقدر امتداد حاصل بنماید تا هر يك از عناصری که در مملکت قوی‌تر است گوی سبقت را بریاید و در عرض این مدت دولت انگلیس حاضر خواهد بود که به مخاطراتی که ممکن است به منافع تجارتي انگلیس خلل برساند تن در دهد. لیکن دولت انگلیس نمی‌تواند تصدیق بنماید که اتخاذ این روش برای دولت روس مشکل‌تر خواهد بود چونکه سرحد و ولایات آرامی دارد که با مغشوش‌ترین نقطه ایران هم‌خاک است. بنابراین اگر دولت روس برای عقیده است که تعقیب روشی که به نظر دولت انگلیس صلاحیت دارد برای روس غیرممکن است دولت انگلیس حاضر است در باب اقدامات آتیه با دولت روس معیت بنماید.

دولت انگلیس با نظریات و تشویش دولت روس در باب وضع کنونی ایران شریک است و موافقت دارد که تا حکومت شوروی تأسیس نشود احتمال ترقی در ترتیب نمی‌رود. دولت انگلیس حقیقتاً از منابع موثقه اطمینان حاصل نموده است که اگر يك مشروطه‌ای اعطا بشود آرامی و سکون در تمام ایران مستقر خواهد شد. علیهذا تصور می‌کند که عجزاً مجاهدات دولتین باید متوجه و مصروف بر این بشود که شاه را متقاعد بنمایند که ایفای به‌مواعید خودش در اینخصوص بنماید. در باب چندین فقره پیشنهاداتی که دولت روس در تحت نمرات مترتب نموده‌اند دولت انگلیس نظریات ذیل را پیشنهاد می‌نماید:

(۱) دولت انگلیس مشغوفانه این پیشنهاد را استقبال می‌نماید که دولتین باید به شاه صلاح‌اندیشی بنمایند که اشخاص کافی غیور برای مجلس شورای خود نامزد بنماید که بتوانند در طرح نمودن نقشه و ترتیبی برای حکومت شوروی آن اعلیحضرت را کمک بنمایند. برای مقدمه این مسئله صلاحیت خواهد داشت که ضمناً به اعلیحضرت معظم توصیه بشود که ناصحین مرتجع از قبیل صدراعظم و امیر بهادر جنگ را که بنا به اعتقادات کنونی معاندین عمده مسلک مطلوبه عامه هستند و تمام مسئولیت اوضاع تبریز و اصفهان به‌عهده آنها است معزول بنماید. بعلاوه، دولت انگلیس برای اصلاح آذربایجان و اصفهان پیشنهاد می‌نماید که باید شاه را متقاعد نمود که به تمام ملت خودش که تحت السلاح هستند عفو عمومی اعطا و اعلان بدارد.

(۲) دولت انگلیس با این پیشنهاد کاملاً موافقت دارد که به شاه صلاح‌اندیشی

بشود که فوراً تهیه نقشه و ترتیبی برای حکومت منتخبه‌ای که مطابق عقاید و رسوم مملکتی اهالی ایران باشد بنماید.

این صلاح‌اندیشی را نمایندگان دولتین انگلیس و روس قبل از این بیش از یک نوبت به آن اعلیحضرت نموده‌اند ولی تا حال نتیجه‌ای نبخشیده و بیم آن است که شاه در بی‌اعتنائی به آن مداومت بنماید مگر اینکه بر او محقق و معلوم بشود که این رویه باعث نتایج سوئی برای خود او خواهد شد.

بنابراین دولت انگلیس پیشنهاد می‌نماید که یک موعده باید به شاه پیشنهاد شود که [برای] ایفاء نمودن به مواعید خودش از آن مدت تجاوز ننماید و باید خاطر نشان آن اعلیحضرت نمود که اگر تا یک موعده معینی یک قسم حکومت شوروی که مناسب احتیاجات مملکت باشد اعطا نشود دولتین انگلیس و روس هیچ نوع مساعدتی از هر قبیل که باشد با او ننموده و در سبک رفتار خود نسبت به آن اعلیحضرت تجدید نظر نموده و برای حفظ منافع خود اقدامات خواهند نمود.

(۳) دولت انگلیس تصور می‌کند که در مسئله استقراض بهیچ وجه عجله‌ای لازم نیست و بهتر آن است به عهده تعویق گذارده بشود تا راپورت مستشار مالیه صادر بگردد که از قرار معلوم محتمل است در عرض چند هفته دیگر حاضر بشود. اگر آن راپورت مبنی بر این باشد که برای تجدید استقرار اعتبار ایران یک استقراض خارجی لازم است شرایطی که بموجب آن ممکن است یک مساعده‌ای پرداخته بشود باید در تحت مذاقه عمیق آورده بشود. دولت انگلیس آنچه را که از قبیل یک استقراض عمده باشد رد خواهد نمود و تا یک مجلس منتخبه‌ای یک همچو معامله‌ای را تصویب ننماید نمی‌تواند پرداخت هیچ مبلغی از این باب را قبول بنماید.

دولت انگلیس تصور می‌کند که مسئله کنترل نیز ممکن است به عهده تعویق گذارده بشود تا حکومت شوروی واقعیت حاصل بنماید ولی به عقیده دولت مشارالیه باید مقصود این باشد که به یک نوعی به مجلس جدید حق نظارت بر مالیه داده بشود مثلاً بوسیله تأسیس یک دیوان محاسباتی که بتوسط متخصصین خارجه‌ای تشکیل بشود. به هر صورت اگر اعلیحضرت شاه رأی قطعی خود را بر این قرار بدهد که فوراً یک خزانه‌دار کل تعیین بنماید دولت انگلیس مخالفتی نخواهد داشت.

(۴) دولت انگلیس تصور می‌کند پول قرض دادن به شاه با این اوضاع کنونی به منزله یک نمایشی بر علیه [= علیه] مشروطه‌خواهان و در مساعدت با سلطنت شخصی اعلیحضرت معظم محسوب خواهد شد و باعث مداخله در امورات داخلی ایران می‌شود. بعلاوه، دولتین یگانه تسلطی را که به آن اعلیحضرت داشته‌اند بدون بدست آوردن چیز دیگری به جای آن از دست داده‌اند.

از وزارتخانه، ۳ فوریه ۱۹۰۹

[۱۴ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۱ محرم ۱۳۲۷]

نمره - ۷۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۶ فوریه)

از طهران، ۶ فوریه ۱۹۰۹

[۱۷ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۴ محرم ۱۳۲۷]

وضع آذربایجان

مستر راتیسلا از تبریز راپورت می‌دهد که مراسلات از طرف عین‌الدوله به بسیاری از اشخاص نوشته شده و در آن مراسلات اظهار میل به ملاقات آنها برای قرار صلح شده. این مراسلات رجوع به انجمن شده و انجمن در جواب اظهار داشته‌اند که نماینده نزد عین‌الدوله نمی‌تواند بفرستند ولی اگر معزی‌الیه نماینده‌ای بفرستد برای پذیرفتن او با کمال شغف حاضرند.

نمره - ۷۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۹ فوریه)

از طهران، ۹ فوریه ۱۹۰۹

[۲۰ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۷ محرم ۱۳۲۷]

اغتشاش در رشت

قنصل روس از رشت به وسیله تلفن به مسیو سبلین [= سابلین] خبر داده که دیروز شورش طلبان به دارالحکومه حمله برده‌اند، حاکم مقتول گردیده و قشون در قنصل‌خانه روس پناهنده شده‌اند. وضع به نظر خیلی سخت می‌آید. مخابرات تلگراف با طهران مقطوع گردیده. ما به دولت ایران اصرار داریم یک حاکمی که مقبول اهالی باشد تعیین نموده و اقدامات برای اعاده نظم منافع انگلیس و روس بنمایند.

نمره - ۷۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۰ فوریه ۱۹۰۹)

از طهران، ۱۰ فوریه ۱۹۰۹

[۲۱ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۸ محرم ۱۳۲۷]

وضع رشت

در تعقیب تلگراف دیروز خودم، از قرار مسموع شهر در تصرف شورشیان است. عجالتاً خارجه‌ها [= خارجیه‌ها] هیچ در خطر نیستند و حکومتی موقتی تشکیل داده شد.

نمره - ۷۴

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۱ فوریه)
از طهران، ۱۱ فوریه ۱۹۰۹
[۲۲ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۹ محرم ۱۳۲۷]

وضع آذربایجان

عین الدوله دعوتنامه جدیدی نزد ملتیان تبریز فرستاده که نماینده نزد او بفرستند که در باب صلح قراری داده شود و به آنها تأکید نموده است که مستقیماً با شاه ترتیب اصلاح را بدهند.
سوارهای قره داغی راه جلفا را مسدود نموده اند.
وضع ملتیان در تبریز ظاهراً بالنسبه اطمینان بخش نیست و نان در شهر نایاب است. با مسدود بودن طرق قزوین و مراغه و جلفا آنچه من استنباط می نمایم حالیه تقریباً راه آذوقه تبریز بکلی مقطوع است.

نمره - ۷۵

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۲ فوریه)
از طهران، ۱۲ فوریه ۱۹۰۹
[۲۳ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۰ محرم ۱۳۲۷]

یک بیان نامه یا امضای بسیار که معلوم است از طرف دسته ملتیان طهران است نزد من فرستاده شده و مشعر بر این است که بدون تصویب مجلس هیچ استقراضی مستقیم یا غیر مستقیم و هیچ امتیازی مقبول و پذیرفته نخواهد بود.

نمره - ۷۶

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۴ فوریه)
از طهران، ۱۴ فوریه ۱۹۰۹
[۲۵ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۲ محرم ۱۳۲۷]

تلگرافی از انجمن محلی اصفهان به من رسیده که سواد آن را هم به سایر سفارتخانه ها فرستاده اند و از من خواهش نموده اند به مقامات لازمه اطلاع بدهم که پس از فداکاریها و جانفشانیهای ملت هیچ نوع تغییری در ترتیب مشروطه سابق نباید داده بشود.

نمره - ۷۷

مکتوب سرجارج بارکلی به سردوارز گری (واصله در ۱۵ فوریه)

از طهران، ۲۰ ژانویه ۱۹۰۹

[۳۰ دی ۱۲۸۷؛ ۲۷ ذی حجه ۱۳۲۶]

آقا

مسیو بیزو به من اظهار می دارد که اکنون دولت ایران ابراز میل واقعی به تقویت او برای تحقیقات در وضع مالیه نموده است. بالاخره ملتفت شده اند که هر شرایط دیگری هم که برای مساعدت مالی دولتین معین بشود شرط ناگزیر است که وضع حقیقی مالیه به مسیو بیزو روشن و آشکار گردد. اکنون به دو نفر از اجزاء کافی وزارت مالیه اجازه داده اند که به مشارالیه مساعدت بنمایند و در هفته سه روز برای این امر با هم ملاقی می شوند. تا این اواخر مقصود مسیو بیزو این بود که بودجه کلیه ای ترتیب بدهد ولی هرچه در تحقیقات خود پیشتر رفته است بیشتر مطمئن شده است که با این چرخ کنونی اداره مالیه که متضمن نواقص اساسی است که بواسطه عدم مرکزیت حادث شده مجاهدات در به موقع اجراء گذاردن يك بودجه ای بی فایده است. آنچه را که مسیو بیزو می گوید لازم است، خزانه داران محلی است که حالا در تحت اراده حکام ایالات هستند و باید بکلی از تحت سلطه و قدرت آنها خارج شده و فقط در تحت فرمان وزیر مالیه برقرار بشوند. این امر را فقط بوسیله داخل شدن مأمورین غیر ایرانی در این اداره می توان به موقع اجراء گذارد و مسیو بیزو تصور می کند بهترین طریق این است که دو نفر اروپایی به سمت خزانه داری کل و مفتشی مالیه تعیین بشوند. هیچ ایرانی به حد کفایت قدرت نخواهد داشت که با خزانه داران ولایتی بقدر لزوم تقویت بنمایند که بتوانند در مقابل تقاضاهای غیر مشروع حکام مقاومت بنمایند. با اقتداری که به این طریق در دست شخص کافی جمع بشود و با اجزایی که حقوق مکفی مرتب به آنها داده بشود هر نوع دلیلی برای امید داشتن به امکان اجراء يك بودجه ای موجود خواهد بود (این مسئله قابل توجه است که در هیچیک از صورتهایی که برای تعیین مواد مخارج به مسیو بیزو داده شده هیچ اسمی از پرداخت حقوق مستخدمین برده نشده مگر آنهایی که در خدمات دیپلماسی و قنصلگری اشتغال دارند و حقوق اینها هم خیلی به تعویق افتاده).

مسیو بیزو اطلاع داده که حالا توجه خود را به این مسئله معطوف داشته که اگر اداره مالیه به اینطور رفورم بشود مصارف آن چقدر خواهد بود. بهر صورت اداره مزبور يك قسمت قلیلی از چهار صد هزار لیره ای را که به دولتین پیشنهاد شده که به رسم مساعدت بدهند لازم خواهد داشت.

در ضمن ملاقاتی که مسیو بیزو اطلاعات فوق الذکر را به من داد از من سؤال نمود که آیا هیچ تبادل نظریاتی در باب اینکه يك مساعدت مالی با دولت ایران بشود بین دولتین واقع شده است. من به مشارالیه جواب دادم تا حدی را که من می دانم درمسلك دولت انگلیس هیچ تغییری حاصل نشده و فقط هنوز حاضر هستند که در باب چهار

صد هزار لیره مساعده مشترکه اعماق نظر بنمایند در صورتی که تأمینات کافیه برای مصارف بقاعده از پول حاصل بشود. این هم فقط وقتی میسر خواهد شد که ترتیب حکومت شوروی منظمأ در جریان باشد.

من با مسیو استراگراوسکی نماینده مالیة روس هم مذاکره نموده ام و در باب لزوم مرکزیت اداره مالیه در تحت يك نفر اروپایی ماهر با مسیو بیزو موافقت کامل را داشته. با يك دقتی در جمع و خرج ممکن نیست بتوان گفت که کسر سالیانه کنونی چه مبلغ است. بموجب حسابی که مسیو بیزو و مسیو استراگراوسکی موثق تصور می کنند اگر مالیات مدیونی به حکومت مرکزی پرداخته بشود امسال پس از وضع مخارج ولایات مبلغ پنج میلیون و ششصد و دوازده هزار تومان باید به دولت عاید بشود. اگر چه هیچ صورت مخارج موثقی عرضه نشده ولی مسیو استراگراوسکی تصور می کند که مخارج بالغ بر پانصد هزار لیره از مالیات زیادتر است.

امضا جارج بارکلی

نمره - ۷۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سردار دگری (واصله در ۱۵ فوریه)

از طهران ۲۶ ژانویه ۱۹۰۹

[۶ بهمن ۱۲۸۷؛ ۳ محرم ۱۳۲۷]

آقا

در عرض ماه دسامبر بواسطه جرائمی که معدل الممالک نایب الحکومه معمول داشته و کلیتاً روش متعدیانه ای که اقبال الدوله فرمانفرمای اصفهان در اداره کردن امور بکار می برد بی قراری و انقلاب معتنابهی در بین اهالی اصفهان ظاهر گشت. انقلابی که به تشویق و تا حدی به طرح ریزی علماء حادث شده بود در ۲۸ دسامبر [۷ دی ۱۲۸۷؛ ۴ ذی حجه ۱۳۲۶] منجر به این شد که يك جمعیت تقریباً دویست نفری که غالب آنها کسبه طبقه دانی بودند برای تحصن جستن در جنرال قنسولگری انگلیس اجماع نموده بودند. همینکه مستر گرهام از پذیرفتن مخالفین امتناع نموده بود آنها تلگرافی مبنی به شکایت و تظلم خودشان به مستر گرهام تسلیم نموده بودند که برای تقدیم داشتن به شاه نزد من بفرستد و خودشان به مسجد شاه رفتند. در عرض روزهای متعاقب آن، بواسطه ورود جمع کثیری از اهالی قراء حوالی برای ملحق شدن به هیجان، جمعیت در مسجد زیاد شد. روز ۳۱ [۱۰ دی ۱۲۸۷؛ ۷ ذی حجه ۱۳۲۶] صبح زود بعضی اشخاص در جنرال قنسولگری روس پناهنده شدند. در ضمن ایالت و علماء عمده مشغول مذاکره صلح و اعاده نظم بودند و شاید اگر صبح دوم شهر حال ضرغام السلطنه با يك استعداد قریب صد نفر بختیاری وارد شهر نشده و برای ملحق شدن به مردم در مسجد پیش نرفته بود صورت اصلاحی در اوضاع حاصل می شد.

علیهذا حکمران به قشون خود فرمان داد که به جمعیت شلیک کنند و در عرض مدت مجادله که در قسمت بیشتر روز ممتد بود قریب بیست نفر مقتول و یک عده کثیری مجروح شدند که اغلب آنها تماشاچیان بی‌گناه بودند. حسب الامر حکومت نیز به مسجد توپ بسته شد ولی با اینکه یک قسمت از بنای آن خراب شد هیچ تلفات جانی واقع نگردید. قبل از غروب ضرغام السلطنه مقامهای مهم نظامی شهر را به تصرف در آورده بود - سوای توپخانه - و حکومت از مجاهدات زیادتر برای فائق آمدن به بختیاریها مایوس شده سربازان خود را به غارت بازارهای حوالی دارالحکومه فرمان داد. قریب هشتصد دکان را غارت نمودند. مبلغ خسارت وارده مابین دو بیست الی پانصد هزار لیره تخمین شده. این هم باید ذکر بشود که به هیچ یک از تجارتخانه‌های انگلیسی هیچ خسارت مستقیمی وارد نشده. حاکم با کارگزار و سایر مأمورین محلی در غروب همان روز به جنرال قنسولگری انگلیس پناهنده شدند. یک عده از نوکران و سربازان فوج ملایر هم روز بعد تحصن جستند. روز بعد از آن، یک عده بختیاری دیگر در تحت سرکردگی منتظم الدوله وارد شدند. در عرض آن روز بختیاریان دارالحکومه و توپخانه را هم تصرف نمودند سربازانی که تا آنوقت در تحت امر حکمران بودند یا از شهر خارج شده یا در جنرال قنسولگری انگلیس متحصن شدند. صبح روز چهارم دارالحکومه را بکلی غارت نمودند و عصر صمصام السلطنه با تقریباً هشتصد نفر بختیاری وارد شهر شده و جمعیتی که مرکب از تمام طبقات مردم بود با فریادهای بشاش و صداهای تهنیت و تمجید او را پذیرفتند.

در نتیجه مخابرات تلگرافی حضوری که شارژ دافر روس و من با مستر گرهم و جنرال قنسول روس در سوم شهر حال [داشتیم] مابین شاه اصرار نموده بودیم که اقبال الدوله را از حکومت معزول نموده و مقام حکومت را موقتاً به صمصام السلطنه تفویض بنمایند. بعلاوه اظهار داشته بودیم که دولت ایران برای جان و مال اتباع ما مسؤول خواهد بود. با وجود تجدید اظهارات ما در پنجم اعلیحضرت معظم به عذر اینکه به صمصام السلطنه اطمینان ندارد از قبول این مسئله امتناع نمود. در نتیجه در روز متعاقب آن شاهزاده فرمانفرما به حکومت تعیین شد و قرار بر این شد که قبل از عزیمت نواب معظم یک نایب‌الحکومه با اتفاق سیصد نفر بختیاری بفاصله چند روز حرکت بنمایند. اینها در سیزدهم شهر حال [۲۳ دی؛ ۲۵ ذی حجه] حرکت کردند. در ملاقاتی که من و همکار روسیم با شاهزاده فرمانفرما نمودیم در موضوع سبک روش خودمان در این مسئله در جواب نواب معظم اظهار داشتیم که منظور ما فقط استقرار صلح و سلم است و به قنسولهای خودمان تعلیمات داده‌ایم که به صمصام السلطنه بگویند که برای نگهداری نظم نظر ما به او است و نیز به او تأکید بنمایند که هیچ نوع اقدامی که منافعی با تصفیة مشکلات حاضره باشد ننمایند. صمصام السلطنه در ضمن صحبت خودش با مستر گرهم بیش از یک نوبت مقاصد مطیعانه و صلح‌خواهی خودش را اظهار داشته و از اینکه خودش را حکمران اصفهان قرار داده باشد مؤکداً انکار نموده. او اظهار می‌نماید که بمحض اطمینان حاصل نمودن برای تأمین شخصی

خودش و بعد از آنکه حقوق مشروطیت اهالی اصفهان را که استحقاق آن را هم دارند حاصل بنماید او مایل به رجعت است ولی او نیز اظهار می‌دارد که اگر استعداد مسلح‌های به‌مقابله او یا آن شهر اعزام بشود نه‌او اهالی اصفهان را ترك خواهد کرد و نه آنها او را.

از زمان ورود او به اصفهان نظم مستقر بوده و مستحفظین بختیاری برای حراست تجارتخانه‌های خارجه گماشته شده و عده بختیاریها اکنون قریب هزار و پانصد نفر است. يك انجمن موقتی تشکیل داده شده و برای مذاکره در پیشنهادات راجع به انتخاب منعقد گردید و برای مصارف بختیاریها بیست هزار تومان به ضمانت تقریباً چهل نفر از رجال قرض شده که در عرض بیست روز از محل مالیات مسترد بگردد. اگر چه می‌توان گفت که اصل اساس هیجان در بدایت امر شکایات کسبه و اهالی دهات اطراف بوده - خصوصاً در موضوع مالیات اراضی (شکایاتی که بختیاریها هم در آن سهیم بوده) - ولی نمی‌توان چندان شك داشت که به سهولت تصرف شدن شهر باعث جرئت صمصام السلطنه شد که موقع را مغتنم شمرده از آن استفاده مطلوبی نموده و مقام ریاست خود را در ایل مستحکم و مسلم بدارد. مشکل‌تر آن است که درجه احساسات ملت‌خواهی که محرك سرکردگان بختیاری شده تخمین بشود اگرچه بموجب اطلاعات اخیرتری که به‌من رسیده واضح است که صمصام السلطنه حالا حامی و طرفدار میلیون شده.

من نیز باید اطلاع بدهم که مستر گره‌م يك تأمین‌نامه کتبی برای اقبال‌الدوله از انجمن محلی صادر نموده و از صمصام السلطنه هم قول شفاهی گرفته که سوار بختیاری برای بدرقه او بدهد ولی به این شرط که خود مستر گره‌م يك منزل باتفاق او برود و يك نفر از گماشته‌های قنسولگری را تا منزل دوم همراه او روانه بنماید. معزی الیه راضی شده بود که روز بیست و چهارم شهر حال از جنرال قنسولگری انگلیس حرکت بنماید. بهر صورت نظر به سابقه اعمال حکمران و بجهت اینکه برای تأمین او حتی‌الامکان مسؤلیت دولت انگلیس را محدود بنمایم من صلاح ندیدم که پیشنهاد مستر گره‌م برای مشایعت او با اقبال‌الدوله را تصویب بنمایم. الحال به‌همه جهت قریب دویست نفر در آنجا پناهنده هستند. مستر گره‌م در متقاعد نمودن يك عده از متحصنین برای خروج از آنجا موفق شده چون اصلاً قریب پانصد نفر سرباز و سایر متحصنین در جنرال قنسولگری پناهنده بودند که با زحمت بسیار در تحت نظم نگاهداشته شده بودند.

امضا جارج بارکلی

نمره - ۷۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۵ فوریه)

از طهران، ۲۷ ژانویه ۱۹۰۹

[۷ بهمن ۱۲۸۷؛ ۴ محرم ۱۳۲۷]

آقا

در تعقیب مراسله مورخه ۳۰ دسامبر خودم با کمال افتخار اطلاع می‌دهم که در اوایل این ماه قشون تبریز - ملیون شکست فاحشی از حاکم مراغه خوردند و اکثر آنها به تبریز مراجعت نمودند. در عرض دو هفته اول ماه مجادلات مختصره بین ملیون و قشون عین‌الدوله و حاکم مراغه ممتد بود ولی بدون نتیجه کامل، و از ۱۶ شهر جاری [۲۶ دی؛ ۲۳ ذیحجه] سوای يك جنگی با ایل ماکوئی تقریباً در ۲۳ شهر حال [۳ بهمن؛ ۳۰ ذیحجه] در حوالی جلفا که منجر به تفوق و کامیابی گردید هیچ مخاصمه دیگری واقع نشده و ستارخان به استمداد خود امر نموده که در داخل شهر تبریز بمانند. این امر باید به شدت سختی هوا نسبت داده بشود.

یکی از بروزات جالب توجه دیگر تدبیرات ملیون که متضمن اثرات بعیدالامتداد است تقاضای انجمن ایالتی برای پرداخت عایدات مخابرات داخلی از سیم کمپانی هندوآروپ به آنها بوده. بواسطه این تقاضا چند روزی مخابرات داخلی از سیم مزبور معوق شد ولی بنا به تهدید انجمن ایالتی که اگر عایدات به آنها پرداخته نشود سیم را مقطوع خواهند داشت نماینده کمپانی رضایت اداره لندن را برای افتتاح مخابرات داخلی حاصل نمود و رئیس کمپانی در طهران برای تحصیل اجازه در موافقت با تقاضای انجمن به وزیر تلگراف مراجعه نمود و اخطار نمود که اگر قصوری در این باب بشود و سیم قطع بشود او مجبور خواهد بود که روزی پانصد لیره خسارت از دولت مطالبه بنماید چونکه اخلاص در این امر باعث اختلال مخابرات بین‌الملل خواهد شد. اگر چه قرارداد کتبی در این باب نشد ولی وزیر تلگراف بطریق غیر رسمی در قبول شرایط ملیون با کمپانی موافقت نمود و در اوایل ماه مخابرات مفتوح گردید.

مکتوب سر جارج بارکلی به سرادار دگری (واصله در ۱۵ فوریه) از طهران، ۲۷ ژانویه ۱۹۰۹ [۷ بهمن ۱۲۸۷؛ ۴ محرم ۱۳۲۷]

نمره - ۸۰

مکتوب سر جارج بارکلی به سرادار دگری (واصله در ۱۵ فوریه) از طهران، ۲۷ ژانویه ۱۹۰۹ [۷ بهمن ۱۲۸۷؛ ۴ محرم ۱۳۲۷]

آقا

در موقعی که من تلگراف هشتم شهر حال خودم را مخابره نمودم نظر من به این نکته بود که هر يك روزی که اعاده حکومت شوروی به تأخیر بیفتد احتمال اینکه دولت ایران خود بتواند از این هرج و مرج متزاید بیرون آمده و انتظامی مستقر نماید کمتر خواهد شد.

در آن تلگراف من شرح داده بودم که امکان دارد سایر طوایف خصوصاً قشقائی و کلهر همین روش بختیاری را تعقیب بنمایند و شیراز و کرمانشاه را تصرف بنمایند.

علی‌الظاهر اکنون داودخان رئیس کلهر طرح آشتی با مأمورین کرمانشاه ریخته و بموجب راپورت واصله از قنسول انگلیس مقیم شیراز الحال صولت‌الدوله ایلخانی قشقائی به حرکت و اقدام بی‌میل است ولی به عقیده مستر بیل اگر میلی به اتمام و عمل داشته باشد تمام قدرت در دست اوست و چنانچه او بخواهد به همچشمی بختیاری به شیراز تاخت و تهاجمی بیاورد هیچ چیزی نیست که او را ممانعت کند. گرچه هنوز علائمی مشهود نگردیده که بر من معلوم بدارد که سایر ایلات به بختیاری تاسی خواهند جست ولی تا به حال پروزاتی هم بوده است که دلالت بر زیاد شدن مخاطرات بصد قدرت شاه می‌نماید. اینقدر که نظر من به هیجان ملیون است به وضع هرج و مرج متزاید دائمی که تقریباً در تمام مملکت جاری است و باعث قطع ترده طرق عمده جنوب به پایتخت هم گردیده و تجارت را تهدید به تعطیل می‌نماید نیست.

بموجب اطلاعات سفارت روس، علاوه بر انقلاب آذربایجان در ولایات ساحل بحر خزر هم این جنبش ملی ظاهراً در طغیان است و حتی حاکم استرآباد در باب امکان اتحاد پنج ولایات ساحل بحر خزر و تشکیل دادن یک مملکت مستقل به قنسول روس اشاره نموده. در عرض چند روزه ماضی همدان و قزوین منظره هیجانهای ملیون بوده و حاکم همدان مستعفی شده و انجمن ولایتی تشکیل داده شده. به موجب راپورتهای واصله از شیراز، در جنوب مجتهد عمده سید حسین لاری با متابعین کثیره خود خروج نموده و در ولایت لار علناً کوس یاغیگری می‌زند. در اصفهان اداره محلی مثل تبریز بکلی از حکومت مرکزی مجزا و مستقل است. فرمانفرما هیچ علامت میلی در رفتن به مأموریت خود ظاهر نمی‌داد و اگر چه از اعزام قشون مذاکره است ولی محل شبهه است که آیا حرکت داده خواهند شد و باضافه آیا با وقوع جدالی بین خودشان به اصفهان خواهند رسید یا خیر. سیصد نفر یا همین قدرها بختیاری که در دو هفته قبل از طهران به عزم اصفهان حرکت کردند معلوم نیست از قم تجاوز نموده باشند و از آنجا در صدد مذاکره صلح با هم‌قبیله‌های خودشان که در اصفهانند هستند. در تبریز هم اگر چه قشون چریک شاه در این اواخر فی‌الجمله مظفریتی حاصل نموده بودند ولی از اینهم چندان انتظار نتیجه نمی‌توان داشت بجز اینکه طریقه صلح را مشکل‌تر بنماید. طهران آرام مانده است ۱۷. خطر در این‌جا است و شاید در قشون حقوق نگرفته دور شاه احتمال مخاطره بیشتر از ملیون است زیرا که آنها با هم اتفاق و اتصال نداشته و اظهارات عدم رضایتشان اگر چه بی‌شک عمومی است ولی تا اندازه‌ای با جدیت و ثبات عزم نمی‌باشد.

اگر چه پروزات و مال این اوضاع هرج و مرج کنونی را نمی‌توان درست‌پیش‌بینی کرد ولی واضح است هر روزی که بدون ایفاء شاه به تعهدات خودش می‌گذرد طریق اصلاح امور را صعبت‌تر نموده و مخاطرات تاج و تخت محمدعلی و استقلال و تمامیت مملکت او را زیادت‌تر می‌نماید. کسی ممکن است از امکان وجود و جریان حکومت

شوروی در تحت شاه حالیه شك داشته باشد ولی لااقل متحتم است که مادامی که محمدعلی به تخت سلطنت جلوس دارد ایران بدون حکومت شوروی نمی‌تواند اسباب نجات خود را فراهم بیاورد.

مسیو ایسولسکی تشکیک می‌کند از اینکه آیا اعطای مشروطه فقط چندان فایده‌ای خواهد بخشید یا خیر. واضح است که آن بالنفسه برای تبدیل هرج و مرج به انتظام کامل کافی نخواهد بود مع‌هذا متضمن بهترین وسیله بهبودی اوضاع است. هر نوع مجاهدتی در نگهداری استبداد کنونی بوسیله مساعدت مالی که توأم با اصلاحات باشد ناقص و بی‌حاصل خواهد بود مگر اینکه حاوی ترتیب مخصوصی برای کنترل بتوسط خارجه بوده باشد.

چیزی که الحال بقوریت لازم است این است که تا حدی استرضای خاطر ملیون حاصل بشود. اگر چه ممکن است موقع این‌گذشته باشد ولی اگر شاه مجلس ملی تشکیل بدهد و در ضمن عفو عمومی هم اعطا و اعلان نماید اقلا احتمال قوی می‌رفت که تبریز و اصفهان به اطاعت خود اعاده نمایند و سایر رؤسای جاه‌طلب ایلات هم از بهانه تقلید و تاسی نمودن به صمصام‌السلطنه محروم بشوند. به این طریق اوضاع را می‌توان التیامی داد و مجالی برای اجرای اصلاحات الزم که دافع هرج و مرج عمومی باشد از قبیل تجدید تشکیلات اداره مالیه و تأسیس ژاندارمری و پلیس بقاعده داده بشود. اگر امیدوار باشیم که بدون مساعدت پولی و تعلیمی خارجه اینطور اصلاحات بعمل خواهد آمد بی‌فایده است چونکه هر قدر این مسئله صحت هم داشته باشد که اگر اعاده نظم می‌شد و مالیه هم بترتیب صحیح اداره می‌شد مالیات برای احتیاجات دولت کافی می‌بود مسلم است با ترتیبات امروزه برای اصلاحات در ایران پول بدست نخواهد آمد و بهمین قسم اشخاصی هم که از عهدۀ اداره نمودن اصلاحات برآیند مفقودند.

اگر باید به حکومت شوروی فرصت و میدان منصفانه‌ای داد بمحض اینکه اسائن جدید مشغول کار بشود باید برای ایران پول تحطیل کرد. شاه راضی شده است که تعیین يك نفر خزانه‌دار کل و يك نفر مفتش برای وزارت مالیه را قبول بنماید و این اقدامی است که اگر متخصصین به تقویت پارلمان موفق بشوند مثمر واقع خواهد شد. معلمین خارجه برای ژاندارمری و پلیس و متخصصین خارجه برای بعضی از وزارتخانه‌ها لازم خواهد بود. حقیقتاً امکان اصلاحات بدون نظارت خارجه نه فقط منحصر به این است که آیا بتوان شاه را حاضر نمود که به راستی و صداقت با يك پارلمانی کار بکند بلکه بهمین نهج مربوط به این است که آیا يك پارلمان ایرانی می‌تواند خود را راضی بنماید که به معاضدت و تقویت مأمورین خارجی عمل بنماید یا خیر. از هیچ بابت تجربه مجلس گذشته اطمینان بخش نبود ولی اشخاصی که بیش از من بصیرت دارند به من همچو می‌فهمانند که طبقات تربیت شده‌تر بین ملیون حالا درك نموده‌اند که مستشاران خارجه اقلا تا يك مدتی لازم خواهند بود. لیکن این مسئله راجع به آتیه است و حالا عجله‌ای ندارد. فعلا احتیاج فوری به مقتضای منافع مملکت

و مصالح اصل عدم مداخله این است که باید بدون دفع وقت شاه را به ایفاء مواعید خودش بازداشت و در ضمن اعطای عفو عمومی بنماید. انحراف جزئی از این قاعده عدم مداخله در این موقع ممکن است که از لزوم مداخله بزرگتر بعدها جلوگیری بنماید.

امضا جارج بارکلی

نمره - ۸۱

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ فوریه)

از طهران، ۲۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۸ بهمن ۱۲۸۷؛ ۵ محرم ۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار خلاصه وقایع اتفاقیه ایران در عرض چهار هفته ماضی را لفا ارسال می‌دارم.

امضا جارج بارکلی

ملفوفه در نمره ۸۱

وقایع ماهانه

طهران

تغییرات وزارتی

در پنجم ژانویه [۱۵ دی؛ ۱۲ ذیحجه] سعدالدوله به جای علاءالسلطنه به وزارت خارجه منصوب گردید.

دو برادر مشیرالدوله و مؤتمن‌الملک از وزارت عدلیه و معارف در عرض این ماه استعفاء نمودند. نظام‌الملک به وزارت عدلیه منصوب شده و مهندس‌الممالک وزارت معارف را ضمیمه فواید عامه‌ای که قبل از این مفوض به خودش بود نموده.

بنابراین ترکیب کابینه از قرار ذیل است:

رئیس‌الوزراء و وزیر داخله: مشیرالسلطنه

وزیر امور خارجه: سعدالدوله

وزیر جنگ: سپهسالار امیربهادر جنگ

وزیر عدلیه: نظام‌الملک

وزیر معارف و فواید عامه: مهندس‌الممالک

وزیر تلگراف: مخبرالدوله

وزیر دربار: سلطانعلی‌خان وزیر دربار

در ۸ ژانویه [۱۸ دی؛ ۱۵ ذیحجه] يك نفر از مليون به‌شیخ فضل‌الله مجتهد

مرتجع نامی گلوله زده و ران او را مجروح نموده. ضارب دستگیر شده و اکنون در تحت استنطاق است.

۱۲ ژانویه [۲۲ دی؛ ۱۹ ذی‌حجه] تقریباً سیصد نفر بختیاری در تحت سرکردگی سردار ظفر برادر کوچک‌تر صمصام‌السلطنه بطرف اصفهان عزیمت نمودند. سردار معتضد نایب‌الحکومه فرمانفرما هم در همانوقت به عزم اصفهان حرکت کرد. محرم که ماه عزاداری است در ۲۴ شهر حال [۴ بهمن؛ ۱ محرم] شروع شد.

۲۸ ژانویه ۱۹۰۹

امضا ج. پ. چرچیل

رشت

سردار امجد از زمان مغلوبیت خودش از اهالی طالش در انزلی بوده و در صدد قرض کردن پول برای تهیه یک استعداد جدیدی بر آمده ولی موفق نشده. سپهدار اعظم که چند ماه قبل به سرکردگی قشون شاه به مقابله تبریز بوده به ملیون ملحق شده و به لنگرود سوار فرستاده که در آنجا انجمن محلی تأسیس بنمایند. سواد حکم علماء کربلا که اهالی ایران را به پرداختن مالیات به شاه امر نموده‌اند در رشت منتشر شده.

استرآباد

بموجب راپورت‌های اخیر از قنسول روس مقیم استرآباد هیجان ملیون در آنجا خیلی شدت دارد.

مشهد

در صورتیکه هیجان ملی حقیقی خاتمه پذیرفته ولی بعضی ملیون صلح‌ناپذیر باعث اغتشاشات معتنا بهی شده‌اند.

یزد

طرق به یزد در کمال ناامنی باقی است و سرقت‌های جدید بسیار راپورت داده شده. جاده کرمان از این حیث بدترین طرق است. دائماً مزاحم حال پارسیان می‌شوند و همچه معلوم می‌شود که عموماً هیچ‌وقت از خوف صدمه و تعرض در آسایش و رفاه نبوده‌اند.

کرمان

سرحد کرمان از طرف غربی الی شمالی بکلی مسدود است. پست‌ها و هر قافله‌ای که در صدد عبور بوده‌اند مرتباً سرقت شده‌اند. یک مقدار کثیری امانات از بندرعباس در دولت‌آباد معطل مانده و میسر نمی‌شود که به رفسنجان برسد. قنسول انگلیس به

تاریخ ۱۰ دسامبر می نویسد که در عرض پانزده روز هیچ پست از بندرعباس وارد نشده.

شیراز

سرقتهای بسیار در طرق و در شهر واقع شده. ظاهراً برادران قوامی در قشون‌کشی خودشان برعلیه لاریها چندان پیشرفت زیادی نموده‌اند. قنسول انگلیس تصور می‌کند که اگر صولت‌الدوله رئیس قشقائی میل به اهتمام و اقدام داشته باشد قدرت در کف اوست و هرگاه اراده او در مهاجمه به شیراز تعلق بگیرد هیچ‌کسی نیست که او را از این اراده جلوگیری بنماید.

خلیج فارس

بوشهر

مکاریانی که در اواخر نوامبر از بوشهر به عزم شیراز حرکت کردند مراجعت به بوشهر نموده و راپورت دادند که چون جاده بین‌کازرون و شیراز ناامن بود محمولات خود را در کازرون گذارده و برای گرفتن حمل دیگر به بوشهر معاودت نموده‌اند. از قراری که راپورت داده‌اند تلگرافی از طهران به‌نایب‌الحکومه رسیده است که به‌او تعلیمات داده شده که دیوان عدالتی به‌جای انجمن مشاوره محلی در آنجا تأسیس بنماید. بنابراین او درصدد است که نماینده‌های اصناف و طبقات مختلفه مردم را احضار بنماید بقصد اینکه برای دیوان مزبور اعضائی انتخاب بشود.

امضاء ماژور استکس اناشه‌میلیتر

نمره - ۸۲

تلگراف سر جارج بارکلی به‌سر ادواردگری (واصله ۱۵ فوریه)

از طهران، ۱۵ فوریه ۱۹۰۹

[۲۶ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۳ محرم ۱۳۲۷]

تبریز

رجوع به تلگراف ۱۱ شهر حال من

به عقیده مستر راتیسلا، ذخایر غله در تبریز برای صرف دو ماه دیگر شهر باقی خواهد بود.

نمره - ۸۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۵ فوریه)
از طهران، ۱۵ فوریه ۱۹۰۹
[۲۶ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۳ محرم ۱۳۲۷]

اوضاع آذربایجان

مستر راتیسلا راپورت می‌دهد مذاکرات بین عین‌الدوله و ملیون که در تلگراف یازدهم شهر جاری خودم اطلاع داده‌ام متروک شده است.

نمره - ۸۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۶ فوریه)
از طهران، فوریه ۱۹۰۹
[۲۷ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۴ محرم ۱۳۲۷]

همکار روسی من تلگرافی به دولت متبوعه خود مخایره نموده که مفاد آن از قرار ذیل است:

«نظر به اهمیت اوضاع مملکت خود شاه تصدیق دارد که مداومت در مسلك پراسیپ کنونی برای او غیرممکن است. اعلیحضرت معظم صلاح‌اندیشی من را خواستار شده ولی من نمی‌توانم برای او مصلحت‌بینی که متضمن نتیجه واقعی باشد بنمایم. تأخیر در اعطاء مشروطیت تولید وضعی نموده است که برای شاه حاوی بسی مشکلات است که بتواند ملت خود را بوسیله اقدامات مجمله ساکت بنماید. يك مشروطه معتدلی هم که در چهار ماه قبل امکان داشت باعث اقتناع بشود اکنون تبریز و اصفهان و رشت را راضی نخواهد نمود. مردم از ضعف شاه در تسلیم شدن خیلی خوب مطلعند و فقط بواسطه اجتماع قشون به پایتخت است که شاه به سریر سلطنت باقی مانده.

من تصور می‌کنم تردید شاه تا يك حد زیادی مربوط به عدم اطمینان او به این مسئله است که کابینه دولتین چه نوع اصلاحاتی را پیشنهاد خواهند نمود و اگر نماینده‌های دولتین دستورات مسلم رسمی می‌داشتند خیلی سهل‌تر از این می‌توانستند شاه را بوسیله صلاح‌اندیشی دوستانه متقاعد به اعطای مشروطه بنمایند که او البته پیروی با آن را به از دست دادن همراهی معنوی و گرانبهای دولتین و یحتمل تاج و تخت خودش مرجح بدارد.»

من با عقیده مسیو سبلین [= سابلین] موافقت دارم و تصور می‌کنم که مخاطره مهمی در از دست رفتن تخت و تاج برای شاه موجود باشد مگر اینکه بتوان او را متقاعد نمود که از دسته ارتجاعی جدا شده و خود را سر دسته هیجان ملیون قرار بدهد. من می‌ترسم که حالا او برای آنچه می‌کند در خطر باشد ولی بهترین امید سلامتی او منوط به همین مسئله است.

نمره - ۸۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۶ فوریه)

از طهران، ۱۶ فوریه ۱۹۰۹

[۲۷ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۴ محرم ۱۳۲۷]

وزیر امور خارجه به من اطلاع می‌دهد که اهالی رشت سپهدار را به حکومت انتخاب نموده‌اند. او يك حکومت خوبی خواهد کرد. او به‌شاه اصرار دارد که به مستدعیات ملت تمکین بنماید و قشون به‌رشت نفرستد.

مسیو سبلین و من به‌شاه اصرار نمودیم که معزیه را تعیین بنماید ولی موفق نشدیم.

نمره - ۸۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۷ فوریه ۱۹۰۹

[۲۸ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۵ محرم ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف سر جارج بارکلی مورخه دیروز

به عقیده من شاه اعتنائی به هیچ صلاح‌اندیشی که تهدیدی متعاقب آن نباشد نخواهد نمود. ما می‌خواهیم که از مداخلات عملی احتراز بنمائیم و به این جهت يك همچه تهدیدی باید به يك نحو منفی باشد و باین طریق که هیچیک از دول مساعدت مالی یا هر نوع مساعدت دیگری با او نخواهند کرد تا وقتی که مواعیدی را که به ملت خود نموده است بواسطه اعلان مشروطه ایفا بنماید و مملکت را تسکین دهد. به نظر من همچه می‌آید که یگانه طریق نجات مملکت از بدبختی و حوادث داخلی این است که به‌شاه توضیح بشود که او را به حال خود خواهیم گذاشت ولی ما میل نداریم اقدامی بکنیم که دولت روس بکلی با آن موافقت نداشته باشد.

نمره - ۸۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۸ فوریه)

از طهران، ۱۸ فوریه ۱۹۰۹

[۲۹ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۶ محرم ۱۳۲۷]

رشت

سپهدار به من و مسیو سبلین تلگراف نموده که به‌شاه اصرار بنماییم قشون به‌رشت نفرستد. ما در جواب واسطه واقع شدن برای مذاکرات او با شاه را رد نموده‌ایم.

قربیب چند صد نفر قشون به عزم رشت از طهران حرکت نموده‌اند ولی شك است که آیا بتوانند از قزوین تجاوز بنمایند. در صورتی که از آنجا تجاوز بنمایند خوب است نماینده‌های دولتین مراسله‌ای نوشته و به اعلیحضرت شاه اخطار بنمایند که اگر بواسطه تجهیز قشون به آن شهر مخاطره جانی برای اتباع انگلیس حادث بشود دولتین او را مسؤل خواهند دانست.

شورشیان شعاع السلطنه برادر شاه را که از اروپا وارد رشت شده توقیف نموده‌اند و برای رهایی او پنج هزار تومان پول از او می‌خواهند.

نمره - ۸۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۱ فوریه)

از طهران، ۲۱ فوریه ۱۹۰۹ [۳ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۹ محرم ۱۳۲۷]

تبریز

مستر راتیسلا راپورت می‌دهد که اگر شهر گرفته بشود یقیناً غارت و یحتمل قتل نفوس هم واقع خواهد شد و در باب متحصنین که مسلماً با عده کثیر به قنسولخانه خواهند آمد تعلیمات خواسته. من به او دستورالعمل داده‌ام که از پناه دادن اشخاصی که در خطر عاجل باشند امتناع ننماید و به عین‌الدوله اخطار بنماید که احکام خیلی سخت و مؤکد صادر بنماید که در صورت حمله به شهر احترامات جنرال قنسولگری انگلیس مرعی و منظور بگردد و اگر به اتباع انگلیس و یا به منافع آنها ضرری وارد بیاید شخص او مسؤل خواهد بود. من در صدد نوشتن یادداشتی به مقام مزبور به دولت ایران هستم.

نمره - ۸۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۲ فوریه)

از طهران، ۲۲ فوریه ۱۹۰۹ [۴ اسفند ۱۲۸۷؛ یکم صفر ۱۳۲۷]

تبریز

مستر راتیسلا در طی تلگراف مورخه امروز خودش اطلاع می‌دهد که دیروز يك استعداد زیادی از ملیون در الوار که در راه جلفا به مسافت هشت میل از تبریز واقع است به قره‌داغیها حمله بردند. ملتیان نتوانستند قره‌داغیها را بکلی از آنجا خارج بنمایند اگر چه در عقب نشانیدن آنها از يك سنگر موفق شدند. قرار است امروز

جنگ تجدید بشود. تلفات ملیون چندین نفر مقتول و مجروح بود و اعتقادات براین است که تلفات شاهپرستان هم مقدار معتناهی بوده. (اصفند ۲۴ فوریه ۱۹۰۹)

نمره - ۹۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۴ فوریه) از طهران، ۲۴ فوریه ۱۹۰۹ [۶ اسفند ۱۲۸۷؛ ۳ صفر ۱۳۲۷]

تبریز

جنرال قنصل انگلیس در يك تلگرافی راپورت می دهد که قشون تجهیز شده ای که در تلگراف ۲۲ [۴ اسفند؛ یکم صفر] خود خبر داده در الوار به قره داغیها حمله برده اند، غروب ۲۲ بدون انجام مقصود خود مراجعت نمودند چون قصد آنها بهمراه خود آوردن قشون ساخلو مرند و افتتاح جاده جلفا بوده. تلفات این قشون کشی قلیل بوده. در اوضاع تغییری حاصل نشده.

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۴ فوریه) از طهران، ۲۴ فوریه ۱۹۰۹ [۶ اسفند ۱۲۸۷؛ ۳ صفر ۱۳۲۷]

نمره - ۹۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۴ فوریه) از طهران، ۲۴ فوریه ۱۹۰۹ [۶ اسفند ۱۲۸۷؛ ۳ صفر ۱۳۲۷]

يك نفر از اشخاصی را که در ماه ژوئن گذشته در سفارت انگلیس متحصن بود در ۲۳ شهر حال [۵ اسفند؛ ۲ صفر] دستگیر نموده و به جرم اینکه درصدد بمب انداختن برای شاه بوده بدون محاکمه او را مقتول نمودند. دو نفر دیگر هم همراه او بوده اند که یکی از آنها در سفارت متحصن بوده. آنها را هم دستگیر نموده و خبر داده شد که روز بعد آنها هم بقتل خواهند رسید. من به ضد این قتل بی محاکمه آن يك نفر پرتست نموده و تقاضا نمودم که یکنفر پناهنده دیگر را باید استنطاق بقاعده بنمایند. دولت ایران موافقت نموده و وعده دادند که از جریان محاکمه من را مستحضر بدارند.

بواسطه این واقعه هیجان بسیاری برپا شده و نوعاً بر این عقیده اند که شخص مقتول شده فقط به علت اینکه سابقاً در سفارت متحصن بوده متهم به تقصیر جعلی شده.

شهر هنوز در تحت حکومت نظامی است و تأمینات ما در ماه ژوئن فقط شامل چرایم گذشته است.

چرا که در این ماه هیچکس در این شهر راه نرفت و هیچکس از این شهر نرفت.

نمره - ۹۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۵ فوریه)
از طهران، ۲۵ فوریه ۱۹۰۹
[۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۴ صفر ۱۳۲۷]

مستتر راتیسلا در تبریز اوضاع تبریز را در این تاریخ به سر ادواردگری تلگراف کرد. بموجب تلگراف واصله از مستتر راتیسلا، قره‌داغیها صوفیان را تصرف نمودند. مستتر راتیسلا معتقد است تبریز تا یک ماه دیگر می‌تواند خودداری نماید مگر اینکه به یورش گرفته بشود و او احتمال وقوع این یورش را نمی‌دهد. مستتر راتیسلا همچنین به سر ادواردگری اطلاع داد که در تبریز اوضاع بسیار ناآرام است و یورش روسها به تبریز در آینده نزدیک محتمل است. مستتر راتیسلا همچنین به سر ادواردگری اطلاع داد که در تبریز اوضاع بسیار ناآرام است و یورش روسها به تبریز در آینده نزدیک محتمل است.

نمره - ۹۳

مکتوب سر ادواردگری به سر جارج بارکلی
از وزارت خارجه، ۲۵ فوریه ۱۹۰۹
[۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۴ صفر ۱۳۲۷]

آقا

مکتوب مورخه ۲۰ شهر ماضی شما که مبنی به راپورت نظریات مسیو بیزو و مسیو استراگراوسکی در باب وضع حاضره مالیّه ایران که در مذاکره اخیرّه شما با آن آقایان بیان نموده بودند واصل گردید. مذاکره شما به مسیو بیزو را تصویب می‌کنم.

امضاء هیئت ادواردگری
مستتر راتیسلا در تبریز اوضاع تبریز را در این تاریخ به سر ادواردگری تلگراف کرد. بموجب تلگراف واصله از مستتر راتیسلا، قره‌داغیها صوفیان را تصرف نمودند. مستتر راتیسلا معتقد است تبریز تا یک ماه دیگر می‌تواند خودداری نماید مگر اینکه به یورش گرفته بشود و او احتمال وقوع این یورش را نمی‌دهد. مستتر راتیسلا همچنین به سر ادواردگری اطلاع داد که در تبریز اوضاع بسیار ناآرام است و یورش روسها به تبریز در آینده نزدیک محتمل است. مستتر راتیسلا همچنین به سر ادواردگری اطلاع داد که در تبریز اوضاع بسیار ناآرام است و یورش روسها به تبریز در آینده نزدیک محتمل است.

نمره - ۹۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۶ فوریه)
از طهران، ۲۶ فوریه ۱۹۰۹
[۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۵ صفر ۱۳۲۷]

مستتر راتیسلا در تبریز اوضاع تبریز را در این تاریخ به سر ادواردگری تلگراف کرد. بموجب تلگراف واصله از مستتر راتیسلا، قره‌داغیها صوفیان را تصرف نمودند. مستتر راتیسلا معتقد است تبریز تا یک ماه دیگر می‌تواند خودداری نماید مگر اینکه به یورش گرفته بشود و او احتمال وقوع این یورش را نمی‌دهد. مستتر راتیسلا همچنین به سر ادواردگری اطلاع داد که در تبریز اوضاع بسیار ناآرام است و یورش روسها به تبریز در آینده نزدیک محتمل است. مستتر راتیسلا همچنین به سر ادواردگری اطلاع داد که در تبریز اوضاع بسیار ناآرام است و یورش روسها به تبریز در آینده نزدیک محتمل است.

مستتر راتیسلا در تلگراف مورخه دیروز خودش راپورت می‌دهد که در همان تاریخ قشون مراغه یورش سختی به سنگرهای غربی شهر بردند. پس از عقب نشاندن قشون مزبور با تلفات بسیار تا مسافت معتناهایی هم آنها را تعاقب نمودند. اردوی باسمنج هم در همان وقت حمله ضعیفی به سنگرهای جنوبی شهر نمودند. آنها دو عراده توپ در کار داشتند ولی هیچ اثری نبخشید.

نمره - ۹۵

مراسله سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در غره مارس)
از سن پترزبورغ، ۲۳ فوریه ۱۹۰۹
[۵ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲ صفر ۱۳۲۷]

آقا

دیروز مسیو ایسولسکی به من اظهار نمود که علت مخالفت شدید دولت انگلیس در تهیه وسایلی که دولت ایران را قادر بر بنیاد اداره بالنسبه دائری بنماید بر من مستور است. اصرار نمودن به شاه برای ترتیب دادن قانون انتخابات و تشکیل يك مجلسی و دولت را در حالت بی پولی و فلاکت کامل گذاردن فایده ای ندارد. جناب معظم اظهار داشته که من شخصاً میل دارم يك پیشنهاد مادی بنمایم و در هیچ مملکتی از ممالک دنیا نمی توان نتایج مفیده انتظار داشت بدون اینکه وسایل پولی برای شروع به مقصود موجود بشود.

من به مسیو ایسولسکی جواب دادم تا زمانی که یقین حاصل نشود که شاه حقیقتاً حکومت شوروی تاسیس خواهد نمود دولت متبوعه من نمی تواند تهیه وسایل برای او بنماید. چون مساعدت حالیه فقط قوه دادن به شاه برای مقاومت با جنبش و هیجان ملیون است.

مسیو ایسولسکی اظهار داشت: من نمی خواهم هیچ وجه نقدی به شاه بدهم و تا اندازه ای هم که توانسته با مرام دولت انگلیس موافقت نموده ام. چیزی را که من پیشنهاد می نمایم بالاخص از قرار ذیل است:
به شاه اصرار بشود که ناصحین مرتجع را منفصل و از خود دور نموده و اشخاص کافی و آزادیخواه برای مشورت خود جلب بنماید، عفو عمومی اعطاء بنماید، قانون انتخابات را اشاعه داده و برای انتخابات و تشکیل مجلس موعدی معین بکند. پس از آنکه تمام اینها انجام داده شد در آنوقت، و نه قبل از آن، يك مبلغ معتدلی مساعده باید داده بشود آنهم نه به شاه بلکه به دولت اصلاح شده ایران که به مصرف احتیاجات فوری همان آن برسد.
مخارج این قرض باید با کمال دقت در تحت کنترل و نظارت آمده و فقط منحصر به مقاصد مشروع به کار انداختن چرخهای اداری بشود. مسلماً مراتب فوق پیشنهادات معتدل نافی است.

وقتی که امید این باشد که يك اداره بهتری ممکن است ایجاد بشود البته بواسطه احتیاج به پول نباید پیشرفت محصور و مسدود بشود مع هذا دولت انگلیس از مساعدت در پرداخت این پول بدون تصویب مجلس امتناع دارد. باید به شاه اصرار نمود که حقوق و امتیازات ملت را که به نظر ایشان خطرناک است اعطا بنمایند و هیچ راه امیدی برای ایشان نباید گذاشت که اگر تا حدی مساعدت هم بکنند دولتین مراقبت خواهند کرد که برای استقرار اداره کنونی به ایشان تقویت بشود آنقدر که دولت

روس بواسطه وضع حاضره دچار ناملايمات و مخاطرات سخت است، دولت انگليس نيست. دولت روس نمي‌توانست دائماً مداومت اغتشاش و انقلاب عمومي در شمال را تحمل بنمايد. دولت روس اشتياق دارد که تاسيسات حریت جاري و برقرار بگردد و پيشنهادات من برای واقعييت اين آمال گواهي است شافي و کافي. ليکن دولت روس بر اين عقیده ثابت و راسخ است که غير ممکن و به‌اعلی درجه خارج از حزم است که [با] يك خزانه خالی و با قشون و مستخدمين حقوق نگرفته بتوان يك اداره دولتي داشت.

امضا نیکلسن

www.adabestanekave.com

نمره - ۹۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در غره مارس) از طهران، غره مارس ۱۹۰۹ [۱۱ اسفند ۱۲۸۷؛ ۸ صفر ۱۳۲۷]

رشت

تلگرافی از طهران مجلس شورای وزراء به اعیان رشت مخابره شده و سواد آن را وزیر امور خارجه برای من فرستاده. تلگراف مزبور مشعر بر رد نمودن سپهدار و اخطار به اعیان است که اگر آنها سپهدار را به سمت حکومت بشناسند دولت از تمام اطراف و جوانب قشون به گیلان گسیل خواهد داشت و آنوقت نه فقط به مقتضی بلکه به اشخاص بی‌گناه هم صدمه وارد خواهد شد.

مسیو سبیلین اظهار می‌دارد که شورشیان در جاده طرف شمالی منجیل سنگربندی نموده‌اند و هفته قبل غلام پست روس را توقیف کرده بودند ولی پس از استنطاق او را رها نموده‌اند و حرکت کرده. (به تلگراف ۱۸ شهر ماضی من مراجعه شود).

نمره - ۹۷

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۳ مارس)

از سن پترزبورغ، ۳ مارس ۱۹۰۹

[۱۳ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۰ صفر ۱۳۲۷]

دولت روس يك عده قشون بطرف باکو و سرحد جلفا گسیل داشته و اوضاع در رشت بحدی تهدید کننده و خطرناك است که پنجاه قزاق برای محافظت قنسولگری روس به رشت اعزام شده.

نمره - ۹۸

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۴ مارس)

سن پترزبورغ، ۴ مارس ۱۹۰۹

[۱۴ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۱ صفر ۱۳۲۷]

مراسله‌ای از وزیر امور خارجه دولت روس به‌من رسیده مبنی براینکه شصت یا هفتاد نفر سرباز و دو دستگاه توپ مسلسل به انزلی و رشت فرستاده خواهد شد. يك فروند کشتی جنگی هم به‌همراهی جہازی که حامل این دسته قشون است فرستاده می‌شود و فرمانده کشتی جنگی مأمور است که اگر در پیاده شدن قشون شورشیان مخالفت بنمایند کمک جنگی به قشون بنماید. در صورتی که این دسته قشون برای محافظت اروپاییان در انزلی و رشت کافی نباشد، دسته بزرگتری قشون احتیاطی در باکو نگاهداشته خواهد شد.

چون به دولت روس خبر رسیده که عنقریب مجادله‌ای بین قشون شاه و شورشیان در جلفای ایران در ساحل رود ارس واقع خواهد شد نظر به واقع بودن جلفای روس عیناً در مقابل آن نقطه، يك دسته قشون به آن محل اعزام خواهد شد و در دهات متعلق به روس اردو خواهند زد که در صورت رخ نمودن حادثه‌ای در آنجا حاضر باشند.

نمره - ۹۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۵ مارس)

از طهران، ۵ مارس ۱۹۰۹

[۱۵ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۲ صفر ۱۳۲۷]

اوضاع آذربایجان

مستر راتیسلا جنرال قنصل انگلیس دیروز تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت داده که در سوم شهر حال سیم تلگراف کمپانی تلگراف هند و اروپا بین تبریز و جلفا قطع شده. مستخدمین کمپانی از قشون چریک شاه‌پرستان که در عرض راه هستند خوف دارند و نمی‌توانند برای تعمیر سیم بیرون بروند. مستر راتیسلا نیز اشعار می‌دارد که عسرت در تبریز شدت نموده و نان کمیاب است.

نمره - ۱۰۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۵ مارس ۱۹۰۹

[۱۵ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۲ صفر ۱۳۲۷]

باید بالصراحه به دولت ایران مفهوم بدارید که اگر بواسطه اعمال قشون شاه در این اغتشاش کنونی آسیبی به قنسولگری انگلیس در تبریز وارد بیاید دولت انگلیس دولت ایران را مسؤل می‌داند.

نمره - ۱۰۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۶ مارس)

از طهران، ۶ مارس ۱۹۰۹

[۱۶ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۳ صفر ۱۳۲۷]

مستتر راتیسلا تلگراف می‌کند که شاه پرستان یورش سختی به شهر آوردند و با تلفات معتدلی بکلی عقب نشانده شدند. در ضمن این یورش، سواران مراغه‌ای از توپخانه یاسمنج هم شهر را بمبارده می‌کردند ولی هیچ اثری از آن ظاهر نگردید.

نمره - ۱۰۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۶ مارس)

از طهران، ۶ مارس ۱۹۰۹

[۱۶ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۳ صفر ۱۳۲۷]

مسیو سبلین به من اطلاع می‌دهد که یک کرور فشنگ و یک مقدار کثیری تفنگ که برای رشت حمل شده بود در باکو گرفته شده.

نمره - ۱۰۳

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۷ مارس)

از سن پترزبورغ، ۶ مارس ۱۹۰۹

[۱۶ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۳ صفر ۱۳۲۷]

مسیو ایسولسکی به من اطلاع می‌دهد که اعزام قشون به رشت فقط از برای حفظ قنسولگری روس (که تا حال فقط نه نفر مستحفظ داشته) و محافظت جانی روسها و اروپاییها در صورت لزوم است.

مسیو ایسولسکی گفت معلوم شده است که به حد کفایت قشون ساخلو از سابق در جلقا بوده و به این جهت به عده آنها افزوده نخواهد شد. او نیز اظهار داشت که استماع نموده است عین الدوله خط تلگراف کمپانی هند و اروپا را قطع نموده و مسیو سبلین برای خسارت یومیه‌ای که بواسطه این خرابی سیسم متوجه خواهد شد

دولت ایران را مسؤول قرار داده است.

نمره - ۱۰۴

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری (واصله در ۸ مارس)

از سن پترزبورغ، ۸ مارس ۱۹۰۹

[۱۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۵ صفر ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف ۶ مارس من

وزیر امور خارجه روس به من اطلاع می دهد که قزاقی که به رشت اعزام شده برای مدد نمودن به قزاقهای مستحفظین آنجا است و آنها به جهت حراست جان و مال اتباع روس و سنایر خارجه ها [= خارجی ها] در رشت و انزلی بر طبق اوامر قنسول عمل خواهند نمود. وزیر امور خارجه روس نیز اظهار می دارد که طبیعتاً قنسول به احتراز از مداخله در مجادلات بین شورشیان و دسته شاه پرستان مداومت خواهد نمود.

نمره - ۱۰۵

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۸ مارس)

از طهران، ۸ مارس ۱۹۰۹

[۱۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۵ صفر ۱۳۲۷]

اوضاع آذربایجان

مستر راتیسلا جنرال قنسول تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می دهد که شاه پرستان مرند را تصرف نموده اند. چنانچه دولت روس پیش بینی نموده بود آنها اکنون جلفا را تهدید می نمایند.

نمره - ۱۰۶

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۹ مارس)

از طهران، ۹ مارس ۱۹۰۹

[۱۹ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۶ صفر ۱۳۲۷]

مشهد

ماژورسایکس بروز انقلاب در مشهد را تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می دهد. بازارها بسته و انجمنی تشکیل داده شده. شورشیان تلگرافخانه را تصرف نموده اند.

نمره - ۱۰۷

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۴ مارس)

از طهران، ۱۴ مارس ۱۹۰۹

[۲۴ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۱ صفر ۱۳۲۷]

راه طهران به رشت تقریباً تا چهل میل به قزوین مانده از طرف شمال در تحت سلطه و تصرف شورشیان یا ملیون است. در جاده به فاصله‌های مختلف سنگرها رسم شده.

در طهران قدری تشویش حادث شده ولی اگر خطری در پیش باشد از طرف ملیون نخواهد بود بلکه از طرف قشون شاه‌پرستان خواهد بود که عنان انقیادشان از کف ساقط بشود.

نمره - ۱۰۸

مراسله سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۵ مارس)

از طهران، ۲۲ فوریه ۱۹۰۹

[۴ اسفند ۱۲۸۷؛ یکم صفر ۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار سواد مکتوبی که از مستر گاردنر کفیل کنونی ویس قنسولگری رشت در مدت غیبت مستر رابینو رسیده لفاً ارسال می‌شود که مبنی بر راپورت حوادث جدیدی در آن شهر است که بعد از مقتول شدن سردار افخم حاکم و دو نفر از مأمورین جزء منتج به مجزا شدن آنجا از تحت سلطه و قدرت شاه شده.

چنانچه در تلگراف شانزدهم شهر حال [۲۷ بهمن؛ ۲۴ محرم] خودم راپورت دادم سپهدار را که قبل از طغیان رشت وارد انزلی شده بود دسته فائقه در رشت نگاهداشته و حکومت آنجا را به او تفویض نمودند. در بیستم فوریه انجمن ولایتی تلگرافی به پنج نماینده‌های عمده خارجه مقیمین طهران مخابره کرده و اظهار نمودند که ما هیچ نزاعی با شاه نداریم و اشعار داشته بودند که قصد ما خاتمه دادن به اوضاع حاضرهای است که مربوط به مسلك مرتجع خاغان در باری اعلیحضرت معظم است و استرداد حقوق ملی خودمان. تلگراف مزبور در خاتمه اخطار نموده بود که بواسطه توسل ما به اقدامات لازمه برای محافظت خودمان ممکن است خسارت به جاده رشت به طهران وارد بیاید و تردد در آن مقطوع بشود ولی در همچو صورتی شخص شاه و ناصحین او مسئول خواهند بود.

یک غلام سفارت روس که تازگی از راه رشت مسافرت نموده راپورت می‌دهد که ملیون در نقاط مختلفه در جاده مشغول سنگر بندی بودند ولی هیچ نوع تعرض و مزاحمتی در عبور و مرور در جاده نمی‌نمایند و اگر شاه فقط پیروی صلاح اندیشی سپهدار

را نموده و برای انقیاد و اطاعت آن شهر اقدامی ننماید احتمال تعرض من بعد هم در تردد نمی‌رود.

چند صد نفر قشون از طهران حرکت نموده ولی هنوز از قزوین تجاوز ننموده‌اند.
امضا جارج بارکلی

ملفوفه در نمره ۱۰۸

مکتوب مستر گاردنر کفیل ویس قنسولگری به سر جارج بارکلی

از رشت، ۹ فوریه ۱۹۰۹

[۲۰ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۷ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

آقا

با کمال افتخار راپورت می‌دهم که دیروز هشتم شهر جاری طرف چهار بعد از ظهر یک دسته اشخاص مسلح از خانه معزالسلطان برادر زن سردار منصور خارج شده و بطرف دارالحکومه حرکت نموده و دفعتاً به سربازان مستحفظ آنجا شلیک نمودند. بعضی از آنها جواب شلیک را دادند و جنگ درگرفت. بالاخره سربازان بزودی مغلوب شدند و شورشیان دو عراده توپ را تصرف نموده و بطرف دارالحکومه شلیک کردند. در همان حین آنها بعضی از خانه‌های اطراف و اندرون را که پشت آنجا بود آتش زدند و یک عده از آنها به معابر عمده رفته و برای تهدید مردم به هوا شلیک نموده و تمام سربازان ساخلو را خلع سلاح کردند.

در حین وقوع اعمال فوق یک دسته دیگر از شورشیان به باغ مدیریه که سردار افخم حاکم و سردار معتمد و سردار همایون برای صرف ناهار به آنجا رفته بودند رفتند. شورشیان بواسطه انداختن یک بمب ورود خود را اعلام داشته و پس از آن داخل باغ شدند.

در باب واقعات متعاقب آن به حدی روایات مختلف است که حصول به حقیقت امر غیر ممکن است ولی نتیجه این شده است که حاکم به ضرب گلوله مقتول گردیده و آن دو نفر دیگر را نوکرانشان با حال بدتر از مردن به منازلشان بردند.

از قرار مذکور عده مقتولین تقریباً بیست نفر است که دو نفر از آنها از دسته شورشیان بوده. از جمله مقتولین عمده مستشار دفتر پیشکار مالیه گیلان و اعزاز الممالک، مأموری که تازگی از طرف دولت از طهران اعزام شده، بوده‌اند.

من نیز متأسفانه فوت خاص آقا فراش ویس قنسولگری را اطلاع می‌دهم ولی تا حال نتوانسته‌ام کشف بنمایم به چه جهت.

مؤسس و سردسته این هیجان معزالسلطان و برادرش کریم‌خان هستند. معزی‌الیه (کریم‌خان) دوسه روز قبل بدون اینکه کسی بفهمد وارد رشت شد.

سیم تلگراف قطع شده بود و به این جهت من دسترسی به وسایل مخابره نداشتم. امروز صبح شهر آرام بود و در عرض روز هیچ اغتشاشی واقع نشد. مستحفظین ملی در معابر قراول می‌دهند. یک انجمن موقتی تشکیل داده شده که به امورات شهر

رسیدگی بنمایند و انجمن مزبور سردار معتمد و سردار همایون را مشترکاً به حکومت موقتی انتخاب نموده. به اضافه بیان نامه‌ای توزیع نموده مشعر بر اینکه مردم هیچ‌واهمه و خوفی نداشته باشند و هیجان فقط برای طرفیت با مأمورین دولت بوده.

امضا هایر گاردنر

نمره - ۱۰۹

مراسله سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۵ مارس)

از طهران، ۲۳ فوریه ۱۹۰۹

[۵-اسفند ۱۲۸۷؛ ۲ صفر ۱۳۲۷]

آقا

رجوع به تلگراف دوازدهم شهر جاری خودم با کمال افتخار سواد بیان نامه فرقه ملیون طهران در خصوص مسئله استقراض و امتیازات خارجه را لفا ارسال می‌دارم. چنانچه در تلگراف ۲۶ شهر ماضی خودم راپورت داده‌ام شرحی بهمین مفاد هم از طرف ملیون تبریز به قنسول آنجا نوشته شده بود و ملیون اصفهان هم برای هر استقراضی که بتوسط شاه بدون تصویب مجلس بشود اعتراض و پرتست نموده‌اند.

امضا چارج بارکلی

ملفوقه در نمره ۱۰۹

بیان نامه جماعت ملیون طهران به سرچارچ بارکلی

در تعقیب اعلان متحدالمالی که قبل از این از طرف انجمن شوروی آذربایجان و اخیراً از طرف انجمن اصفهان به جنابعالی تقدیم شده که به دولت متبوعه خودتان برسانید ما صاحبان امضای ذیل که نمایندگان دسته مشروطه خواهان پایتخت هستیم با کمال افتخار خاطر محترم را مستحضر می‌داریم که چون ایران دولت مشروطه شناخته شده و چون هر پیشنهادی برای استقراض یا امتیازی بر طبق مواد ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ قسمت اول قانون اساسی باید بدو به مجلس تقدیم شده و رأی مجلس اتخاذ بشود به این جهت ما یک نوبت دیگر با کمال افتخار به جنابعالی اظهار می‌داریم که هر قرض یا مساعدت مالی که بطور مستقیم یا غیرمستقیم از طرف یک دولت خارجه یا ادارات تجارتي یا صرافی یا افراد در عرض مدت انفصال پارلمان به دولت علیه داده بشود ملت خود را برای آن مسئول ندانسته و بهیچوجه خود را عهده‌دار آن نمی‌داند و هر نوع شرایطی برای هر امتیازی قرار داده بشود برای اجرای آن خود را مجبور نخواهد دانست.

لهذا از جنابعالی استدعا می‌نماییم که مرحمت فرموده مواد مذکور قانون اساسی را ملاحظه نموده و بزودی مراتب فوق را به سمع دولت خودتان و تجارتخانه‌های در مملکت خودتان که در این مسئله دخیل هستند برسانید که هیچ اعمال غیر قانونی در

آتیه روابط حسنه ملی و تجارتي دو مملکت را مختل ندارد.
تشکرات خود را مساعدتاً برای اقداماتی که لطف کرده در این مسئله بعمل خواهید
آورد تقدیم می‌داریم. از جنابعالی تمنی می‌نماییم که احترامات فائقه را قبول بفرمایید
و غیره... .

طهران، ۱۵ محرم ۱۳۲۷ (مطابق ۷ فوریه ۱۹۰۹) [۱۸ بهمن ۱۲۸۷]
امضای ۳۱ نفر در ذیل

نمره - ۱۱۰

مراسله سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۵ مارس)

از طهران، ۲۵ فوریه ۱۹۰۹
[۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۴ صفر ۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار خلاصه وقایع ماهانه معمولی اتفاقیه در ایران در عرض چهار هفته
ماضی را لفا ارسال می‌دارم.

امضا جارج بارکلی

ملفوفه در نمره ۱۱۰

خلاصه وقایع

طهران

کابینه‌ای که بی‌تغییر باقی مانده از قرار ذیل مرکب است:

مشیرالسلطنه	رئیس‌الوزراء و وزیر داخله
سعدالدوله	وزیر امور خارجه
سپهسالار	وزیر جنگ
نظام‌الملک	وزیر عدلیه
مهندس‌الممالک	وزیر معارف و فواید عامه
مخبرالدوله	وزیر تلگراف
سلطانعلی‌خان «وزیر دربار»	وزیر دربار
مفاخرالملک	وزیر تجارت
قوام‌الدوله	وزیر مالیه

توجه عمده در اوضاع وزارتتی مجتمع و مصروف نزاع بین سپهسالار و سعدالدوله
است که می‌توان آن را کوشش و مبارزت بین دو نفوذی که در اطراف شاه کار می‌کنند
تعبیر نمود به این معنی که نفوذ مرتجعین فاش از یک طرف و نفوذ آزادیخواه معتدل
از طرف دیگر در مخاصمه‌اند ولی هیچ‌کدام از طرفین تا حال موفقیت کامل حاصل
ننموده‌اند.

مراسم عزاداری معمولی محرم امسال بواسطه کساد پول و خوف اغتشاش خیلی تخفیف داده شد. تعزیه خوانی مرسومی در تکیه دولتی به موقع اجراء گذارده نشد ولی فقط بطریق خیلی مختصرتری در باغ شاه انجام داده شد. شورش در رشت تا حد کثیری باعث تشجیع و جرأت ملیون طهران شده و از ۱۳ فوریه [۲۴ بهمن؛ ۲۱ محرم] بازارها کم و بیش بسته بوده. عده متحصنین در سفارت کبرای عثمانی و شاهزاده عبدالعظیم تا حد کثیری زیاد شده و هیجان خیلی بیشتر عمومیت حاصل نموده. يك احساس تشویش عمومی شهر را فرا گرفته. عدم اطاعت مردم بی شبهه در تزايد است و ملیون شروع به اشاره و کنایه نموده اند که حتی در صورت اعطای مشروطه هم تغییر سلطان لازم است.

از زمان بسته شدن بازار، دولت بتوسط نظمیه، اقدامات فوق العاده راجع به تمشیت نموده است. قراول گشتی بسیار دیده می شود و سرباز و ژاندارم در بازار و معابر عمده گماشته شده. برای تهدید مردم که دکان خود را باز کنند چهار نفر از کسبه را علناً چوب زدند ولی این تشدد منتج به بسته شدن يك مقدار دکان زیادتری شد. در ۲۲ فوریه [۴ اسفند؛ یکم صفر] سه نفر را به اتهام اینکه قصد بمب انداختن داشته اند دستگیر نمودند. يك نفر از آنها را بدون محاکمه مقتول نموده و نعش او را نزدیک دروازه باغ شاه آویختند که يك نوع اخطار و تهدیدی برای مردم بشود. دو نفر دیگر اکنون در تحت استنطاق هستند و مجاهدتی شده است که اشخاص دیگری را هم دخیل در این تهمت بنمایند. شخص مقتول و یکی از مصاحبینش در ماه ژوئن ماضی در سفارت انگلیس پناهنده بودند و چنانکه تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت دادم در این موضوع به دولت ایران اظهارات نموده ام. این واقعه مردم را بسیار متغیر نموده چون عقیده آنها بر این است که آن شخص به تهمت تقصیر جعلی به قتل رسیده. در ۲۴ فوریه [۶ اسفند؛ ۳ صفر] يك قاتلی را در محضر عامه مقتول نمودند ظاهراً به قصد اینکه باز بیشتر مردم را تخویف بنمایند.

مرتجعین هر نوع افواهی را در باب فلاکت ملیون تبریز اشاعه می دهند و تصرف تبریز را قریب الوقوع می دانند. اگر چه استعداد نظامی در تحت امر شاه برای دفع هر نوع هیجانی در پایتخت که بدون کمک از خارج واقع بشود باید کافی باشد مع هذا ارتجاعیون برای احتمال انقلاب در اینجا و سوء اطمینانی که کلیتاً به حیثیت خودشان دارند بی شک در تزلزل هستند. هیچ نوع علائم اعطای مشروطه از شاه مشهود نیست و علی الظاهر امیدوار به تسلیم عاجل تبریز است که به عقیده او باعث انحطاط هیجان ملیون خواهد شد.

محاكمة اشخاصی که متهم به شرکت در سوء قصد به شیخ فضل الله بودند منتج به استخلاص تمام محبوسین شد بجز يك نفر که هنوز محاکمه او خاتمه نپذیرفته. فرمانفرما هنوز در طهران است و او به یکی از اعضاء سفارت انگلیس اطلاع داده بود که رأی قطعی خود را بر این قرار داده که به اصفهان ترود. سردار معتضد معاون او در ۴ فوریه [۱۵ بهمن؛ ۱۲ محرم] به طهران رجعت نمود ولی دو روز

بعد از آن مجدداً عزیمت نمود که در قم به قشون تجهیزه ملحق بشود. در ۱۲ شهریور ۱۳۰۸ سالار اشرف یکی از خوانین بختیاری که بر علیه [= علیه] اصفهان فرستاده شده بود هم به طهران مراجعت نمود ولی مجدداً به عزم قم حرکت نمود. قریب چهار صد نفر از فوج همدان که برای مقابلی به تبریز اعزام شده بودند ظاهراً برای بی‌میل بودن به تحمل مشقت این مأموریت به طهران مراجعت نمودند. به تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۰۹

[۵ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲ صفر ۱۳۲۷]

امضا اسما

مشهد

ماژر سایکس در ۱۷ فوریه [۲۸ بهمن؛ ۲۵ محرم] تلگرافاً [= تلگرافی] خبر داد که یک جمع کثیری راهزنان فارس از صحرا عبور نموده و طبرس را تهدید می‌نمایند. حکمران در صدد اعزام یک عده قشون به آنجا است. راه یزد مسدود شده.

کرمان

یک دسته سارقین در اوایل ژانویه [نیمه اول دی؛ ذی‌حجه] در کرمانشاه بطرف جاده یزد جمع شده بودند به قصد اینکه راه را بر قافله حامل اسلحه و پول نقد بانک ببندند. یک استعدادی اعزام شد که آنها را مجبور به عقب‌نشستن نمود و قافله سلامت عبور کرد.

کنسول انگلیس در ۱۶ فوریه [۲۷ بهمن؛ ۲۴ محرم] تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت داد که دسته ملی قوت گرفته و انقلاب قریب‌الوقوع است. حکومت از این خوف دارد که بمحض اینکه مردم ملتفت این مسئله بشوند هیجان بنمایند.

یزد

حاکم جدید عدل‌الدوله در ۲۳ ژانویه [۳ بهمن؛ ۳۰ ذی‌حجه] وارد شد. در عرض ماه ژانویه طرق به یزد [= راههای منتهی به یزد] در دست سارقین مانده بود اگر چه گاه بگاهی یک قافله‌ای که به اتفاق مستحفظ حرکت کرده عبور نموده است ولی همیشه اینطور نبوده. تعداد دسته‌های سارقین بعضی اوقات به صد نفر می‌رسد. ناامنی کامل منتشر است و حوزه پارسیان پیوسته در خوف صدمه و تعرض باقی هستند. در ۱۱ فوریه، قریب صد نفر زن و مرد و اطفال پارسی از سکنه مزارع اطراف تفت خود را در تلگرافخانه انگلیس افکنده و تقاضای تأمین نمودند. همینکه در این موضوع به حکومت نوشته شد برای نقل مکان نمودن پارسیان به محله پارسیان در شهر ترتیبات داد. از قرار راپورت قریب دویست نفر بختیاری در ۲۰ ژانویه [۳۰ دی؛ ۲۷ ذی‌حجه] تقریباً به سی میلی طرف جنوب شرقی یزد وارد شده‌اند. ظاهراً حکومت یک استعدادی فرستاد که تفتیهای را که پارسیان از آنها شاکی بودند مقهور بنمایند

ولی جنگ مختصری واقع شد که نتیجه آن مظفریت تفتیها بود. وقتی که از تفتیها استفسار شده بود که چه می‌خواهند جواب داده بودند «تأسیس مشروطه». خبر این جواب ظاهراً حاکم و اهل شهر را مضطرب نموده. حاکم و اعیان متابعین خود را تحت سلاح آورده سنگربندی نموده و توپهای مندرس را استوار کردند. حتی قراولهای منازل اروپاییان را هم جلب نمودند ولی پس از ایراد و اظهار ویس قنسول انگلیس آنها را عودت دادند. از قرار مذکور تفتیها بموجب احکام از نجف عمل می‌نمایند.

کرمانشاه

کاپتان هاورت در ۲۰ فوریه [۲ اسفند؛ ۲۸ محرم] راپورت داد که مجتهد اعظم همدان به او اطلاع داده است که علمای عمده کربلا به من تعلیمات داده‌اند که از تمام قنسولها خواهش بنمایم به سفارتهای خودشان اعلام بدارند که خبر پول قرض دادن دولتین به شاه به ما رسیده. شاه بهیچوجه حق استقراضی ندارد و اختیار این مسئله محول به مجلس ملی است که قائم مقام کنونی آن انجمن ایالتی آذربایجان است و برای هر مبلغی که به شاه پرداخته بشود ملت بهیچوجه مسئول نخواهد بود. مرتجعین همدان همینکه انقلاب رشت و اقدام مجتهد اعلم را مسموع نمودند نزد مجتهد مزبور رفته و به او اطلاع دادند که ما هم خواهان مشروطه هستیم. مجتهد اعلم به کفیل حکومت اظهار داشته است که اگر او نمی‌تواند به شهر بیاید و حکمرانی بکند خودش حاضر است که حکومت اشخاص خواهان مشروطه را به عهده بگیرد. محتمل است که انجمن ولایتی بزودی تشکیل داده بشود.

شیراز

از مجادله قوام‌الملک با سید لاری هنوز نتیجه کاملی حاصل نشده. ظاهراً آصف‌الدوله فرمانفرما کم بلکه هیچ قدرت ندارد. اداره امور اغلب در دست سردار فیروز است. اشتهاارات مکرره بوده است که قصد بروز شورش بر علیه [= علیه] ایالت هست. ایالت در ضمن يك ملاقاتی که با مستر بیل نموده اظهار داشته است که نهایت جد و جهد را در ختم نمودن دعاوی انگلیس دارد ولی عقیده مستر بیل بر این است که هیچ نوع امید استرداد مال التجاره منهبویه تجار انگلیس را نمی‌توان داشت مگر اینکه غرامت آنها مستقیماً از ایالت فارس دریافت بشود و این هم مسئله‌ای است که ایالت از عهده گرفتن آن امتناع دارد.

خلیج فارس

بوشهر

سید عبدالحسین لاری شرحی به یکی از ملاهای عمده بوشهر نوشته و در آن اشاره نموده است که با قوام جنگ نموده و او را بکلی مغلوب کرده و اشعار داشته است که پرداخت مالیات را در لار اکیداً غدغن نموده است.

امضا مازر سایکس، اتاشه میلیر

نمره - ۱۱۱

مراسله سرجارج بارکلی به سردار دگری (واصله در ۱۵ مارس) - از شماره ۱۹۰۹
 [۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۴ صفر ۱۳۲۷]

آقا

در تعقیب مشروحه مورخه ۲۶ شهر ماضی خودم باکمال افتخار راپورت می‌دهم
 که وضع اصفهان بدون تغییر باقی است. شهر آرام است و انتظام به نحو رضایت
 بخشی مستقر است.

مذاکرات مابین صمصام السلطنه و خوانین بختیاری که از طهران رفته و حالا در
 قم هستند در کار است و اگر چه روایات مختلف است ولی این مسئله مسلم است که
 هنوز قرار داد صریحی بین آنها داده نشده. هیچیک از قشونی که شاه اعزام داشته
 از قم تجاوز ننموده‌اند. شاهزاده فرمانفرما در طهران مانده است.

از قرار مسموع صمصام السلطنه با صولت الدوله ایلخانی قشقائی در شیراز
 مشغول مذاکره بوده ولی تا حال جنبشی از طرف صولت الدوله مشهود نگردیده. چند
 روز قبل صمصام سوءظن حاصل نموده بود که مخابرات بین طهران و شیراز بدون
 اینکه علی‌الرسم بتوسط اداره ایرانی اصفهان باشد مستقیماً می‌شود. تهدید نموده
 بود که سیم تلگراف را قطع خواهد نمود و من به جنرال قنسول انگلیس تعلیمات دادم
 که بطریق غیررسمی او را از وخامت این عمل تهدید و منسوخ نماید. صمصام در
 جواب پیغام مستر گرهم اظهار داشته بود که می‌خواهد در عرض چند روزه آتیه در
 تمام مخابراتی که به شیراز می‌رود نظارت داشته باشد با این اختیار که هر کدام را
 موافق مذاق ندید توقیف بنماید. او نیز اظهار نموده بود که اگر با این ترتیب
 موافقت نشود هرگاه سیم قطع بشود کلیه مسؤلیت آن را از عهده خود ساقط می
 داند. پس از مشاوره با مستر بارکر قرار بر این شد که اگر دولت ایران تقاضای
 تسهیلات غیر معمول برای مخابره با شیراز بنماید که صمصام با آن مخالفت داشته
 باشد آن تقاضا رد بشود علی‌هذا مراتب مصوبه را به صمصام السلطنه اطلاع دادند.

مجدد پس از تحریر شرح فوق به من اطلاع رسیده که صمصام السلطنه با اطمینان
 فوق‌الذکر اقناع نشده و به جنرال قنسول انگلیس اطلاع داده که اداره تلگرافی هند
 و اروپا باید به نمایندگی او اجازه بدهند که تمام تلگرافاتی را که از طهران به شیراز
 بتوسط اداره تلگرافی انگلیس در اصفهان مخابره می‌نمایند تفتیش بنماید. پس از
 مشاوره با مستر بارکر من در صدد اطلاع دادن به دولت ایران هستیم که من خودم را
 مجبور دیدم به اداره تلگرافی مزبور صلاح‌اندیشی بنمایم که به تقاضاهای صمصام
 موافقت بنمایند.